

اعتراض جهانی علیه کشتار در غزه!



از سایت روشنگری بقیه در صفحه 7

فرستاده ویژه صلح خاورمیانه کجاست؟ در حراج آرمانی

بقیه در صفحه 10

ناقوس هجوم همه جانبه به فعالین کارگری و اجتماعی
بار دیگر به صدا در آمده است

بقیه در صفحه

گزیده ای از مهم ترین وقایع سال 2008

بقیه در صفحه 4

درس های سرکوب

بقیه در صفحه 9

امیر پیام

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمارسه ماهه سوم سال بقیه در صفحه 2

آقای اژه ای، بگذار قلبم بتپد!

فرزاد کمانگر



بقیه در صفحه 2

در حاشیه حمله جدید اسرائیل به نوار غزه!



بقیه در صفحه 3

عملیات نظامی اسرائیل

در نوار غزه، محکوم شد.

بقیه در صفحه 3

دولت نهم:

هزینه های نجومی، نتایج ویرانگر!

بقیه در صفحه 4

حلقه های پیوند بحران و سرکوب!

بقیه در صفحه 4

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران در ایران!

روژشمارسه ماهه سوم سال
(ماههای مهر - آبان - آذر ۱۳۸۷ - ۲۰۰۸)

مقدمه :

در شرایط پایانی سال ۲۰۰۸ (دی ماه ۸۷) با دستگیری چندی از فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی در ایران روبرو شدیم . دستگیری بیژن امیری ، محسن حکیمی ، پدram نصرالهی ، صالح بهرامی پس آنگاه دستگیری ابراهیم مددی ، فراخواندن و پرونده سازی برای محمود صالحی و بختیار رحیمی ، بلاتکلیفی منصور اساتلو ، فرزاد کمانگر و شمس قهقرخی در زندان ها و صدور احکام سنگین برای تعدادی از دانشجویان و همچنین دستگیری ۱۱ تن از معلمان و سپس آزادی آنها ، همه و همه نشانه پیشروی جنبش کارگری و اعتراضات عمومی فعالان جنبش های اجتماعی طی ماههای اخیر در ایران بوده است .
در اعتراض به این سلسله از دستگیری ها اطلاعیه و بیانیه های چندی در داخل و خارج از کشور صادر شده و می رود که اعتراضات فعالی را در پی داشته باشد .

آنچه در زیرانظر شما می گذرد، بازتاب فعل و انفعالات جنبش کارگری و خاصه اخبار کارگری و گزارشات مبارزات بخش های فعال مزد و حقوق بگیران ، کارمندان ، پرستاران و معلمان ایران در کنار مبارزات دانشجویان دانشگاههای سراسر ایران است که طی سه ماهه سوم سال ۱۳۸۷، در مجموعه بیش از ۷۹۰ خبر و تفسیر کارگری فراهم آمده ، به نظراتان می رسد.

در این مجموعه ما با اخبار کودکان خیابانی کار و گزارشات چندی از وضعیت آنان و همین طور اوضاع زنان و پشتیبانی دانشجویان از مبارزات کارگران ایران در عرصه های مختلفی از اعتراضات ، تجمعات کارگران در درون کارخانه ها ، در برابر دفاتر کارفرماها ، راه پیمایی ها ، راه بندان ها و اجتماع در برابر مجلس ، دادگستری ، استانداری ها ، فرمانداری ها و غیره روبرو می شویم که طی سه ماهه سوم سال ۱۳۸۷، از خبرگزاری های ایران (ایلنا - ایسنا - مهر - روزنامه سرمایه و...) و تشکل ها ، نهادها و سایت های مستقل مانند : (فعالان حقوق بشردیاریان ، کمیته کارگری پویا، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، انجمن صدای کاوه ، اتحادیه آزاد کارگران ایران ، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، جمعی از فعالان کارگری ایران خودرو، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری ، خبرنگارنامه امیرکبیر، خبرنگارنامه مازندران ، سایت میدان زنان، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکارکرماتشاه ، انجمن دفاع از کارگران و بیکاران ، **انجمن کارگری صدای کاوه ها** ، کانون صنفی معلمان تهران - تهران ، سایت سلام دمکرات و غیره در داخل و همینطور امکانات خبر رسائی خارج از کشور فراهم آمده و به نظراتان می رسد.

اخبار کارگران البرز ، تشکل سندیکای کارگران هفت تپه ، دشواری زندگی کارگران در عسلویه ، فشار به کودکان کار در سطح خیابانها ، کار خانگی زنان ، مسئله خصوصی سازی ها ، تعطیلی واحد ها و اخراج های بیرویه کارگران در سطوح واحد های تولیدی کارخانه ای و کارگاهها ، وضعیت اسفبار کارگران قراردادی ، گرانی و باز هم گرانی اجناس و مایحتاج ضروری زندگی شهروندان ایرانی با اتمام آنا در سطح خبرهای عدیده بازتاب یافته و آنرا در کنار دشواری زندگی زحمتکشان شهری و روستایی ، خشکسالی زمین و نابودی محصولات کشاورزی و تورم افسار گسیخته طی همین سه ماهه سوم سال و نبودن تامین اجتماعی لازم برای کارگران ، مزد و حقوق بگیران و بازنشستگان کشور، گسترش اخبار دستگیری ها و بازداشتها ، همه و همه مضمون روزشمار سه ماهه سوم سال ۱۳۸۷ را همچون سه ماهه اول و دوم پوشش می دهد.

نکته پایانی اینکه ؛ تلاش ما این خواهد بود که در آینده جدول آماری استنتاج های خود پیرامون روز شمار سه ماهه اول و دوم و سوم سال ۱۳۸۷ را فراهم آوریم . از فرصت استفاده می کنم . از همه تشکل های کارگری داخل که به ما مستقیما خبر می رسانند ، تشکر خود را اعلام میداریم . باشد که جمع آوری مجموعه این اخبار و آرشيو آن ، بتواند در بهره وری جمعی از این اقدام موثر افتد !

امیر جواهری لنگرودی دی ۱۳۸۷ - ژانویه ۲۰۰۹

جهت دریافت متن کامل این "روز شمار" به سایت راه کارگر مراجعه نمایند

آقای ارّه ای، بگذار قلبم بتپد!

فرزاد کمانگر

ماههاست که در زندانم، زندانی که قرار بود اراده ام را، عشقم را و انسان بودنم را در هم بشکنند. زندانی که باید آرام و رام میکرد چون "پره ای سر برده"، ماههاست در بندی زندانی هستم با دیوارهایی به بلندی تاریخ.

دیوارهایی که قرار بود فاصله ای باشد بین من و مردمم که دوستشان دارم، بین من و کودکان سرزمینم فاصله ای باشد تا ابدیت، اما من هر روز از دریچه سلولم به دور دستها میرفتم و خود را در میان آنها و مثل آنها احساس می کردم و آنها نیز دردهای خود را در من زندانی میدیدند و زندان بین ما پیوندی عمیق تر از گذشته ایجاد نمود.

قرار بود تاریکی زندان معنای آفتاب و نور را از من بگیرد، اما در زندان من روئیدن بنفشه را در تاریکی و سکوت به نظاره نشستیم. قرار بود زندان مفهوم زمان و ارزش آن را در ذهنم به فراموشی بسپرد، اما من با لحظه ها در بیرون از زندان زندگی کرده ام و خود را دوباره به دنیا آورده ام برای انتخاب راهی نو. و من نیز مانند زندانیان پیش از خود تحقیرها، توهینها و آزارها را زده دره، با همه وجود به جان خریدم تا شاید آخرین نفر باشم از نسل رنج کشیدگانی که تاریکی زندان را به شوق دیدار سحر در دلشان زنده نگه داشته بودند.

اما روزی "محاریم" خواندند، می پنداشتند به جنگ "خدا" ایشان رفته ام و طناب عدالتشان را بافتند تا سحرگاهی به زندگیم خاتمه دهند و از آن روز ناخواسته در انتظار اجرای حکم میباشم. اما امروز که قرار است زندگی را از من بگیرند با "عشق به هموعانم" تصمیم گرفته ام اعضای بدنم را به بیمارانی که مرگ من میتواند به آنها زندگی ببخشد هدیه کنم و قلبم را با همه ی "عشق و مهری" که در آن است به کودکی هدیه نمایم. فرقی نمیکند که کجا باشد بر ساحل کارون یا دامنه سیلان یا در حاشیه ی کویر شرق و یا کودکی که طلوع خورشید را از زاگرس به نظاره می نشیند، فقط قلب یاعی و بیقرارم در سینه کودکی بتپد که یاعی تر از من آرزوهای کودکی را شب ها با ماه و ستاره در میان بگذارد و آنها را چون شاهدهی بگیرد تا در بزرگسالی به رویاهای کودکی اش خیانت نکند، قلبم در سینه کسی بتپد که بیقرار کودکی باشد که شب سر گرسنه بر بالین نهاده اند و یاد "حامد" دانش آموز شانزده ساله شهر مرا در قلبم زنده نگهدارد که نوشت: "کوچکترین آرزویم هم در این زندگی برآورده نمیشود" و خود را حلق آویز کرد.

بگذارید قلبم در سینه کسی بتپد مهم نیست با چه زبانی صحبت کند یا رنگ پوستش چه باشد فقط کودک کارگری باشد تا زبری دستان پینه بسته پدرش، شراره ی طغیانی دوباره در برابر نابرابریها را در قلبم زنده نگهدارد.

قلبم در سینه کودکی بتپد تا فردایی نه چندان دور معلم روستایی کوچک شود و هر روز صبح بچه ها با لبخندی زیبا به پیشوازش بیایند و او را شریک همه ی شادی ها و بازیهای خود بنمایند شاید آن زمان کودکان طعم فقر و گرسنگی را ندانند و در دنیای آنها واژه های "زندان، شکنجه، ستم و نابرابری" معنایی نداشته باشد.

بگذارید قلبم در گوشه ای از این جهان پهناورتن بتپد فقط مواظب باشید قلب انسانیت که ناگفته های بسیاری از مردم و سرزمینش را به همراه دارد از مردمی که تاریخشان سراسر رنج و اندوه و درد بوده است.

بگذارید قلبم در سینه ی کودکی بتپد تا صبحگاهی از گویی با زبان مادرم فریاد برارم:

"من ده مه و ی بیمه بابیه

خوشه ویستی مروف به رم

بو گشت سوچی نه م دنیاپیه "

معنی شعر : می خواهم نسیمی شوم و "پیام عشق به انسانها" را به همه جای این زمین پهناور ببرم.

فرزاد کمانگر

بند بیماران عفونی، زندان رجایی شهر کرج

مورخ 8/10/87

دوم دی ماه 1387 - بند امنیتی 209 اوین

در حاشیه حمله جدید اسرائیل به نوار غزه!

عملیات نظامی اسرائیل در نوار غزه، محکوم شد.

رژیم آفریقای جنوبی سرانجام در سال 1993 پندنبال گسترده شدن مبارزات سیاه پوستان و کارگران سرنگون شد. در همان سال شخصی که تا آن زمان تروریست شناخته می شد و از 27 سال پیش در زندان بسر برده بود از سوی مردم به ریاست کشور برگزیده شد. در حال حاضر اسرائیل در این ترس و واهمه بسر می برد که مبادا سرنوشتی مشابه آفریقای جنوبی در انتظارش باشد. ایهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل در مصاحبه با نیویورک تایمز می گوید:

"اگر تحریم های اقتصادی همانطور که علیه آفریقای جنوبی اعمال شد علیه ما نیز اعمال شود کار ما تمام است." تشابهات بسیاری بین دو رژیم وجود دارد. حزب ملی که سیاست نژاد پرستانه را در آفریقای جنوبی دنبال می کرد در سال 1948 به قدرت رسید. در همین سال اسرائیل اعلام موجودیت کرد. هم نژاد پرستان آفریقای جنوبی و هم صهیونیست ها از کمک های مالی امپریالیسم انگلیس برخوردار بودند. هر دو رژیم سیاست مستعمراتی را در محدود کردن مردم محلی و عقب راندن آنها از مناطق خود را پیش می بردند.

در سال 1947 یهودیان تنها 6 درصد از مناطق را در فلسطین در اختیار داشتند. جمعیت آنها 33 درصد کل جمعیت بود. در سال 1948 سازمان ملل کنترل یهودیان بر 55% سرزمین فلسطین را به رسمیت شناخت. ولی صهیونیست ها به این هم قانع نبودند آنها در همان سال با حمله به روستای دبر یاسین، 254 فلسطینی را که اغلب زن و کودک بودند قتل عام کردند. وحشت این قتل عام ها که توسط گانگستر های ایرگون به رهبری مناهیم بگین نخست وزیر آینده کشور انجام می شد به حدی بود که ده ها هزار فلسطینی خانه وکاشانه اشان را بدون برداشتن البسه و اساس ترک کردند و آواره بیابان ها شدند. در سال بعد، 750 هزار فلسطینی محل زندگی اشان را ترک کردند و اسرائیل به 78% فلسطین دست یافت.

حالا زمانه عوض شده. جمعیت فلسطینی ها [اعم از فلسطینی ها در محدوده حکومت دولت اسرائیل و یا پناهندگان فلسطینی در کشورهای دیگر] به شدت بالا رفته. اگر قرار باشد به نحو دموکراتیک، یک نفر یک رای، انتخاباتی صورت بگیرد صهیونیست ها بازنده این انتخابات خواهند بود.

شبهات های بین دو رژیم نژاد پرست مورد تایید رهبر مسیحی آفریقای جنوبی نیز قرار گرفت. دزموند توتو هنگامی که در سال 2003 از فلسطین دیدار کرد گفت: "شرایطی که فلسطینی ها در آن زندگی می کنند تشابهات بسیاری با وضعیت سیاهان در دوران آپارتاید دارد."

همکاری های بسیاری بین رژیم اسرائیل و نژاد پرست آفریقای جنوبی تا قبل از سقوط آن در سال 1993 وجود داشت. بر طبق گزارش روزنامه گاردین در سال 2006 آلون لیل در سفرش به آفریقای جنوبی در سال 1976 در ارتباط با همکاری های اسرائیل و آفریقای جنوبی گفته بود: "رابطه بین دوکشور رابطه ای عاشقانه است. ما صنعت اسلحه سازی آفریقای جنوبی را پراه انداختیم و آنها به دلیل پول فراوانی که دارند ما را در توسعه پروژه های صنعتی یاری دادند. در این رابطه پول از آنها بود و تجربه و دانش از آنها."

کمک های مالی و سیاسی آمریکا علت اصلی توان اسرائیل در ادامه حیاتش بوده است. سال گذشته اسرائیل 2.4 میلیارد دلار کمک نظامی دریافت داشته است.

آمریکا برای به خدمت گرفتن دولت مصر نیز به این کشور کمک مالی می کند. در سال گذشته مصر 1.3 میلیارد دلار کمک نظامی و 417 میلیون دلار کمک های دیگر دریافت کرده است. در واقع با توجه به وضع وخیم مالی دولت مصر بدون این کمک ها این دولت قادر به اداره امور نخواهد بود. از همین جا می توان فهمید که چرا علیرغم فشار افکار عمومی مصر در باز کردن مزر های غزه و کمک به فلسطینی ها این دولت علاقه ای به باز کردن مرزها ندارد.

عملیات نظامی زمینی اسرائیل در نوار غزه - که روز شنبه، سوم ژانویه، پس از یک هفته بمباران های هوایی این منطقه آغاز شد - امروزتوسط اکثر مقامات بلند پایه کشورهای جهان، محکوم شد و رهبران و بلندپایگان این کشورها خواستار برقراری فوری آتش بس و متوقف شدن عملیات نظامی اسرائیل شدند. اما رهبران واشنگتن و پراگ از محکوم کردن تهاجمات اسرائیل خودداری نمودند.

رئیس جمهوری چک - که از اول ماه سال میلادی جاری بمدت شش ماه ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را بر عهده گرفته است - عملیات اسرائیل را تلافی و نه تهاجمی توصیف کرد. دولت آمریکا بنابر سیاستی که همواره آن دولت اتخاذ داشته است، عملیات نظامی اسرائیل را توجیه کرد. نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت: "حق اسرائیل برای دفاع از خود قابل مذاکره نیست." دیک چنی، معاون رئیس جمهوری آمریکا، از ورود نظامیان اسرائیلی به نوار غزه دفاع کرده است.

بن کی مون، رئیس سازمان ملل متحد، آتش بس فوری و پایان حملات زمینی را درخواست کرده بود.

اما برخورد رهبران و دیگر بلند پایگان دیگر کشورهای جهان متفاوت بود. از جمله:

* - وزارت امور خارجه فرانسه با صدور بیانیته ای ضمن محکوم کردن همزمان تهاجم زمینی ارتش اسرائیل و راکت پرانی های حماس، اعلام کرد که این تشدید خطرناک عملیات نظامی، حاصلی جز پیچیده تر کردن تلاش های بین المللی بویژه کوشش های اتحادیه اروپا و فرانسه و اعضای گروه چهارگانه صلح خاورمیانه برای برقراری آتش بس را نخواهد داشت.

* - گردون براون، نخست وزیر انگلیس، از "لحظه ای بسیار خطرناک" در خاورمیانه سخن گفت و در مصاحبه ای با بی بی سی، خواستار آتش بس فوری شد.

* - ترکیه، یکی از کشورهای اسلامی که با اسرائیل نیز رابطه ای حسنه دارد، بار دیگر خواستار قطع عملیات نظامی اسرائیل شد و این عملیات را بعنوان اقدامی غیر قابل قبول، محکوم کرد. در اسلام آباد نیز دولت پاکستان خواستار برقراری فوری آتش بس شد.

* - در خاورمیانه، اردن از جامعه بین المللی خواست مسئولیت های خود را در قبال تشدید خشونت ها در نوار غزه بر عهده گرفته و به آن عمل کند.

* - ریاست جمهوری مصر نیز ضمن محکوم کردن عملیات اسرائیل در نوار غزه، خواستار متوقف شدن این عملیات شد که در بیانیته کاخ ریاست جمهوری مصر، از آن بعنوان "تجاوز وحشیانه" یاد شده است.

* - محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز این عملیات را قویاً محکوم کرد و خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت شده بود. جلسه ای که تشکیل شد ولی در اثر مخالفت آمریکا بی نتیجه به پایان رسید.

* - پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیک های جهان، ضمن تاکید بر قربانی شدن مردم بیگناه در هر گونه عملیات نظامی و خشونت بار، اسرائیل و حماس را به پایان دادن فوری به این ماجرای غم انگیز دعوت کرد.

از زمان شروع حمله های ارتش اسرائیل، شرایط انسانی در غزه همچنان رو به وخامت گذاشته است. تعداد کمی از فروشنده ها که علیرغم حمله های هوایی همچنان به کسب و کار مشغول بودند. اکثر مغازه داران غزه روز یکشنبه مغازه های خود را تعطیل نگه داشتند. بی برقی، شهر و به خصوص بیمارستان ها را به طور کامل فلج کرده و بزرگترین بیمارستان غزه در حال حاضر تنها به کمک ژنراتورها سر پا مانده است.

بنابر گزارشات خبرگزاریها، از نخستین روز آغاز حمله نظامی اسرائیل به نوار غزه - روز ۲۷ دسامبر تا چهارم ژانویه - در مجموع بیش از 500 فلسطینی ها کشته شده اند، که اکثر آنها مردمان غیر نظامی بوده اند. دست کم 2500 نفر زخمی شده اند. رقم زخمی شدگان اسرائیلی ها در اثر شلیک موشک های حماس ۴ نفر بوده است. بعلاوه اسرائیل تلفات نظامیان خود را تا روز یکشنبه 4 ژانویه، یک کشته و 32 زخمی اعلام کرده است. قابل ذکر است که اسرائیل از ورود خبرنگاران به نوار غزه جلوگیری می کند.

رسانه های خبری تعداد فلسطینی های کشته شده در تهاجم اخیر ارتش اسرائیل تا شبگاه ششم ژانویه را بیش از 620 نفر اعلام نموده اند.

دولت نهم:

هزینه های نجومی، نتایج ویرانگر!

* حاصل صرف هزینه ای برابر با 225/8 میلیارد دلار از دارایی مردم در چهار سال اخیر توسط دولت، رسیدن شمار فقرا به 14 میلیون نفر، نرخ بیکاری 12/3 درصد، بدهی خارجی معادل 6.8 درصد تولید ناخالص داخلی، شمار بیکاران فارغ التحصیل 20/7 درصد و گسترش اعتیاد، قتل، تجاوز جنسی، فرزند کشی و.... بوده است.

روشننگری: دولت احمدی نژاد در طی چهار سال اخیر بر اساس آمارها هزینه ای برابر با 225/8 میلیارد دلار از دارایی مردم را "مصرف" یا به عبارت دیگر "هزینه" کرده است. صرف این سرمایه هنگفت و نجومی چه حاصلی داشته است؟

آمارهایی که در دو هفته اخیر از سوی خبرگزاری های جمهوری اسلامی انتشار یافته اند، پاسخ روشنی به این پرسش می دهند.

* - بر اساس گزارش دستگاه حمایتی به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هم اکنون 14 میلیون نفر در کشور زیر خط فقر قرار دارند. بر اساس گزارش این نهاد 19/3 درصد مردم ایران زیر خط فقر هستند. این نهاد همچنین در گزارش خود اعلام کرده که در سال 80 حدود 9 میلیون نفر در ایران زیر خط فقر بوده اند و در 6 سال اخیر این امر به 14 میلیون نفر رسیده است. به گفته مسوولان این نهاد آمار اعلام شده بر اساس گزارش بانک مرکزی به دست آمده است.

* - معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه گفت: عدم کنترل خانواده و توزیع بالای مواد مخدر هر کدام به میزان 50 درصد در ابتلا به اعتیاد جوانان نقش مؤثر دارند. میانگین سنی ابتلا به اعتیاد در ایران کاهش یافته است.

* - نیروی کار ایران در سال گذشته 23 میلیون و 700 هزار نفر و نرخ بیکاری 12.3 درصد بوده است. پیش بینی می شود این شاخص ها در سال جاری به ترتیب به 24 میلیون و 300 هزار نفر و 12.5 درصد برسد.

* - برآورد بدهی های خارجی ایران در سال گذشته 21 میلیارد دلار بود که پیش بینی می شود این میزان با 400 میلیون دلار افزایش در سال جاری به 21 میلیارد و 400 میلیون دلار معادل 6.8 درصد تولید ناخالص داخلی برسد.

* - میزان سرانه درمان سال 88 در وزارت رفاه به مبلغ 6 هزار و 500 تومان به تصویب رسید... وزرات بهداشت کسری بودجه 1600 میلیارد تومانی دارد.

* - جانشین رییس پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی: 17 هزار و 333 تن در تصادفات رانندگی طی هشت ماهه امسال جان خود را از دست داده اند. 70 درصد تلفات تصادفات رانندگی در جاده های کشور بوده است.

* - براساس آمار ایسنا: 20 هزار کودک کار و خیابان در میان اختلاف مسوولان باز به خیابان ها بازمی گردند. کودکان خیابانی ؛ 73% بیماری های چشمی، 61% بیماری های تنفسی، 64% بیماری های قلبی، 69% اختلال شنوایی، 61% کمبود توجه، 82% بیماری های پوستی، 56% بی هوشی، 61% مشکلات گفتاری و 86% فاقد هرگونه مهارت شغلی هستند. 90 درصد از کودکان کار خیابانی قربانی فقر مالی اند.

* - ایرنا: بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی طی پنج سال (85-1380) دو برابر شده و از 10/3 به 20/7 درصد در میان دیگر رده های تحصیلی رسیده است.

* - ایسنا: آمار معاون پلیس آگاهی در باره افزایش قتل، تجاوز جنسی و رواج فرزند کشی: وقوع قتل عمد در 9 ماه گذشته هشت درصد افزایش و وقوع تجاوز به عنف در این مدت سه هزار و 401 فقره بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، دو فقره افزایش یافته است. 64 فقره فرزندکشی در 9 ماهه امسال به وقوع پیوسته است.

این آمارها که از رشد فقر، بیکاری و اعتیاد به انواع مواد مخدر، قتل، تجاوز جنسی و فرزند کشی خبر می دهند، حاصل واقعی هزینه های نجومی مصرف شده در طول چهار سال دولت نهم و تصویرگر گوشه ای از عملکرد آن است. تازه این عملکرد مربوط به زمانی است که قیمت نفت بالای 100 دلار در هر بشکه بود. با سقوط

قیمت نفت به حدود 40 دلار در هر بشکه و در حالی که کف گیر به ته دیگ خورده است، دولت برنامه شوک تریبی و دستبرد "هدفمند" به بقایای سفره های خالی مردم را در دستور گذاشته است و دور تازه ای از "مهرورزی" در راه است.

اگر تاکنون بر اساس آمار رسمی خودشان تعداد فقرا را به 14 میلیون رسانده اند و جرم و جنایت و بیکاری و اعتیاد در جامعه بیداد می کند، حالا که چشم اندازی جز کاهش شدید عواید نفتی و تشدید تحریم اقتصادی ایران وجود ندارد، ابعاد فلاکت و تهیدستی مردم ایران تا کجا خواهد رسید؟ سه روز پیش احمدی نژاد در حاشیه بلزید از شرکت صنایع سیمان زایل گفت: "ملت از گرسنگی بمیرد اما عزتت را حفظ کند." و گفت: "هر نوع فشار و تحریم اقتصادی را متحمل می شویم اما عزت مردم را تحت الشعاع قرار نمی دهیم." مرگ از گرسنگی!! پیام واقعی احمدی نژاد برای مردم ایران است. به راستی اگر این نظام سرکوبگر در اثر طغیان و اعتراض مردم ساقط نشود، سرانجام به نام حفظ عزت مردم، مرگ انبوه مردم ایران از گرسنگی را به همراه کشاند. 14 دی 1387

حلقه های پیوند بحران و سرکوب!

دستگیری محسن حکیمی و ابراهیم مددی، دو تن از فعالان شناخته شده جنبش کارگری، پرسش ها و نگرانی های زیادی را در میان کوشندگان آگاه این جنبش و سایر جنبش های اجتماعی دامن زده است. از خود می پرسیم که آیا این دستگیری ها سراغز دور جدیدی از سرکوب مبارزان است؟ آیا اتفاقات جدیدی در شرف وقوع است که حکومت سرمایه داری پیشاپیش عکس العمل نشان می دهد؟ آیا یک بگیر و ببند "معمولی" است که طی سال های اخیر بارها شاهدش بوده ایم؟

به نظر ما این اقدام سرکوبگرانه، نگاهی جدی و برخوردی جدی را از جانب همه ما می طلبد. عاجلترین کاری که باید انجام شود: افساء و محکوم کردن هر چه وسیعتر این دستگیری ها در میان کارگران و به طور کلی در سطح جامعه است. تلاش برای سازماندهی اعتراض های مشخص حول خواست آزادی بدون قید و شرط و فوری حکیمی و مددی، و نیز همه مبارزان زندانی (اعم از فعالان جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی) است.

همانطور که بارها گفته ایم، ما باید برای تبدیل این خواسته به دغدغه کارگران معترض و حق طلب که درگیر مبارزات گوناگون روزمره هستند، تلاش کنیم. این تلاش ممکنست در مواردی به نتیجه فوری و دلخواه نرسد. ممکنست نتوانیم سطح آگاهی توده های کارگر را در این یا آن مبارزه معین به اندازه ای ارتقاء دهیم که ربط مستقیم مبارزه برای آزادی فعالان جنبش کارگری و مقابله با اینگونه اقدامات سرکوبگرانه را با منافع و اعتراضات جاری خود درک کنند. ولی تلاش ما مسلماً در برخی محیط ها و مبارزات ثمر خواهد داد و شعار آزادی مبارزان اسیر به شعار بخش هایی از کارگران تبدیل خواهد شد. حتی در محیط هایی که ما با پاسخ مثبت فوری و موثر روبرو نشویم، می توانیم مطمئن باشیم بذری که امروز فقط در دل پیشروترین ها نشسته است، به رشد نهال آگاهی در فردای مبارزه توده های کارگر کمک خواهد کرد.

به علاوه همراه با این مبارزه مشخص و برای تعمیق و موثرتر کردن آن، باید بتوانیم علل دستگیری های کنونی و دورنما و نتیجه آن را تا حد ممکن مطرح کنیم. به عقیده ما، این دستگیری ها را نباید اقدامی حساب نشده و یا خودسرانه تلقی کرد. این دستگیری ها به مضللات اقتصادی و سیاسی که مقابل پای دولت طبقاتی قرار گرفته، کاملاً ربط دارد:

یکم، این دستگیری ها به طرح تشدید استثمار، شوک تریبی و حذف یارانه ها که همه جناح های حکومتی با آن توافق اساسی دارند و به یک "مساله ناموسی" نظام سرمایه داری تبدیل شده، مرتبط است. برای اثبات روشن است که اجرای قطعی این سیاست اقتصادی و البته تأثیرات ناگزیر بحران نظام جهانی سرمایه داری امپریالیستی بر ساختار وابسته ایران، عکس العمل اعتراضی گسترده توده های کارگر و زحمتکش را در پی خواهد داشت. همانطور که تجربه اجرای این سیاست ها در کشورهای مختلف نشان می دهد، این عکس العمل اعتراضی به شکل انفجاری بروز می کند و با خود روندهای خارج از کنترل و خطرناکی را برای نظام های طبقاتی حاکم به همراه می آورد. مساله اینست که رکود و فلاکت، گرانی و بیکار سازی های گسترده در راه است و این شرایط بی پاسخ نخواهد ماند. بخشی از تدابیر پیشگیرانه حاکمان برای مهار این انفجار اجتماعی و پیامدهای سیاسی آن، تجهیز و آماده سازی نیروهای ویژه سرکوب برای برقراری حکومت نظامی و سرکوب مستقیم تظاهرات ها و اعتصابات توده ای محتمل است. مقامات نظامی و انتظامی رژیم، این هدف را علناً در جریان برگزاری رزمایش های درون شهری اخیر به زبان آوردند. اما بخش دیگر این تدابیر، حمله به فعالان و مبارزان آگاه جنبش های اجتماعی از هم اکنون است. با این کار تلاش می کنند در میان فعالانی که می توانند و می باید وظیفه افشای سیاست های خاتمان برانداز حاکمان و کمک به سازماندهی و جهت دادن به مبارزات توده ها را به دوش گیرند، ترس ایجاد کنند و آنان را به انفعال و سکوت وادارند. با این کار تلاش می کنند که صحنه پر تلاطم اعتراضات و انفجارهای اجتماعی فردا، از فعالان و مبارزانی که قادرند نقشی تأثیرگذار ایفا کنند، خالی شود. به عقیده ما، حکومت فعالان شناخته شده جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی را آماج فوری حمله قرار می دهد، تا پیام ارباب و انفعال را سریعتر به جامعه منتقل کند. حکومت

گزیده ای از وقایع سال 2008

* - توافق آمریکا و جمهوری چک:

سوم آوریل 2008، آمریکا و جمهوری چک توافقنامه ای را برای استقرار ایستگاه راداری در خاک جمهوری چک امضاء کردند. این ایستگاه راداری بخشی از یک سپر دفاع موشکی محسوب می شود و امضاء این توافقنامه موجب اعتراض های عمومی در جمهوری چک شد.

*-مسمومیت کودکان در چین

نوزدهم تا بیست و ششم سپتامبر 2008، در چین در داخل شیرها ماده شیمیایی ملامین پیدا شد. کلیه های پنجاه و سه هزار کودک بر اثر این ماده شیمیایی آسیب دیده و سه کودک نیز کشته شدند.

*- سرانجام در روز پنجشنبه، ۲۷ نوامبر 2008، به ۱۱ ماه بحث و جدل در عراق پایان داده شد و مجلس این کشور توافقنامه امنیتی با آمریکا را تصویب کرد؛ به این شرط که تا پایان ژوئیه ۲۰۰۹ توافقنامه به رفراندوم گذاشته شود. آمریکا که بلافاصله از این رویداد استقبال کرد اینک در فکر خطراتی است که در صورت رای منفی مردم عراق ممکن است دامن گیر دولت نوپای باراک اوباما شود.

طبق توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا، نیروهای آمریکایی باید تا پایان سال ۲۰۱۱ از عراق خارج شوند.

در صورتی که اکثریت مردم عراق به خروج نیروهای آمریکای رای بدهند، دولت آمریکا تا یک سال، یعنی تا تابستان ۲۰۱۰ فرصت خواهد داشت که نیروهای خود را خارج سازد.

* - مجاهدین خلق تحت حمایت آمریکا باقی می ماندند

سفارت آمریکا در بغداد، با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که برخی از نیروهای نظامی این کشور در فرارگاه اشرف، مقر اعضای سازمان مجاهدین، باقی می ماندند تا از آن ها حمایت کنند. بر اساس بیانیه سفارت آمریکا در عراق، نیروهای آمریکایی به عراق کمک خواهند کرد تا از «رفتار انسانی با ساکنان اردوگاه اشرف اطمینان حاصل شود.»

بر اساس توافق میان بغداد و واشینگتن، قرار است این فرارگاه روز پنجشنبه، اول ژانویه، تحویل نیروهای عراقی شود. اردوگاه اشرف در شمال بغداد و در استان دیاله قرار داد و از ۲۰ سال پیش مقر اعضای سازمان مجاهدین خلق است.

* - آخرین سفر جورج بوش به عراق

در پایان سال 2008، جورج بوش، رییس جمهوری آمریکا برای آخرین بار از عراق بازدید کرد، کشوری که کارنامه ریاست جمهوری او را شکل داد. در کنفرانس مطبوعاتی بوش با نوری المالکی، نخست وزیر عراق، خبرنگاری عراقی در اعتراض به حضور نظامی آمریکا در عراق کفش های خود را به سوی رییس جمهوری آمریکا پرتاب کرد. این مساله به یک جنجال تبلیغی در جهان تبدیل شد.

* - ناتوانی دولت افغانستان

در حال حاضر مجموعاً ۶۲ هزار سرباز از کشورهای گوناگون در افغانستان در ماموریت هستند. از آن میان ۳۳ هزار سرباز آمریکایی هستند. به درخواست نیروهای ناتو قرار است در ماه های آینده ۲۰ هزار سرباز آمریکایی دیگر نیز به هندوکش گسیل گردند. به گزارش نیویورک تایمز، بخش بزرگی از این سربازان، از عراق به افغانستان فرستاده خواهند شد. بخش اصلی این نیروها به مناطق جنگی افغانستان گسیل خواهند شد... تقریباً همه جا در افغانستان، درگیر جنگ است.

* - مصالحه با طالبان

هم زمان با انتشار گزارشی از تسلط طالبان بر بخش های وسیعی از افغانستان، از زمینه سازی برای گفتگو بین این گروه و دولت افغانستان خبرهایی منتشر شده است.

شورای بین المللی امنیت و توسعه در گزارشی نوشته است که طالبان در حال حاضر در 72 درصد از خاک افغانستان «حضور دائم» دارد.

* - سازمان ملل: مدارک مستدل در مورد قتل 90 غیرنظامی افغان

سازمان ملل اعلام کرد، مدارکی در دست دارد که نشان می دهد 90 تن از غیر نظامیان در ماه اوت 2008، در افغانستان در حملات هوایی نیروهای انتظامی تحت فرمان آمریکا، کشته شدند. اکثر این قربانیان زنان و کودکان بی گناه بوده اند.

* - مخارج جنگ عراق و افغانستان

طبق محاسبه تازه دانشمندان درگیری ایالات متحده در عراق و افغانستان برای این کشور مخارجی چنان سرسام آور در بر دارد که احتمالاً از هر هزینه ای در طول تاریخ بالاتر است. بنا به ارزیابی جوزف استیگلیتز اقتصاددان برنده جایزه نوبل و همکارانش، مخارج جنگ تا سال ۲۰۱۷ به بیش از ۵ بیلیون دلار یا پنج هزار میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

به شدت در مقابل فراخوان هایی که کارگران و زحمتکشانش را به مقابله فعال با تهاجم وحشیانه سرمایه داری دعوت کند، احساس خطر می کند. حکومت به شدت در مقابل تلاش توده های کارگر برای دستیابی به سطوح و اشکال مختلفی از تشکل های مبارزاتی و مستقل از نظام، احساس ضعف می کند. هجوم بی تبعیض حاکمان به مبارزان و فعالان جنبش کارگری (با جهت گیری ها و گرایش های گوناگون و حتی مخالف یکدیگر) پیش از هر چیز نشانگر این احساس ضعف و خطر در شرایط فرارسیدن امواج بلند بحران است.

دوم، تضاد با طبقه کارگر و بقیه بخش های مردم، تنها تضادی نیست که گریبانگیر طبقه حاکمه ایران است. حاکمان اسلامی، تضادهای جناحی هم دارند. این رشته از تضادها نیز در شرایط تعمیق بحران می توانند عمق بیشتری پیدا کنند و به چند پارگی و ضعف نظام و دولت سرمایه داری دامن بزنند. در افق نزدیک، تضادها و رقابت های جناحی هیئت حاکمه می تواند در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 88 بیش از پیش بالا بگیرد. کارزارهای انتخاباتی این بار نیز مثل همیشه با عوامفریبی و دروغ و وعده، رقم خواهد خورد. مساله ای که نباید از آن غافل شویم، تلاش جناح های رقیب حکومتی برای تاثیر گذاری بر بخش های مختلف مردم (منجمله کارگران) و تبدیل آنان به پایگاه و مدافع خود در این رقابت ارتجاعی خواهد بود. هیچ دیوار غیر قابل نفوذی بین این تلاش ها و تبلیغات عوامفریبانه با افکار عمومی کشیده نشده است. ساده اندیشی است اگر فکر کنیم تضاد عینی و آنتنی ناپذیر میان طبقه کارگر و توده های مردم با طبقه حاکم، این عوامفریبی ها را خود به خود خنثی خواهد کرد. رژیم با تشدید سرکوب فعالان جنبش های طبقاتی و اجتماعی تلاش می کند صحنه را برای برپایی بی دردسر (یعنی بدون مقاومت و افشاکاری در مورد) این انتخابات عوامفریبانه آماده کند. به علاوه، اگر این یا آن جناح حکومتی احساس کند که بخش ها یا عناصری از جنبش کارگری و سایر جنبش ها احتمال دارد به نیروی خنجره یا مولف جناح رقیبش تبدیل شوند، دست روی دست نخواهد گذاشت و برای خنثی کردن آنها به هر وسیله وارد عمل خواهد شد.

سوم، طبقه حاکمه ایران تضادها و کشمکش های بین المللی خاص خود را هم دارد. همه تلاش حاکمان اسلامی در این دوره اینست که به قدرت های امپریالیستی اثبات کنند که نه تنها می خواهند منافع نظام سرمایه داری جهانی در این کشور و منطقه را به خوبی تامین کنند، بلکه رژیمی با ثبات و قوی و ماندگار را نمایندگی می کنند؛ بنابراین به نفع طرفین است که فشارهای سیاسی و تحریم های اقتصادی با هدف حک و اصلاح یا تغییر رژیم اسلامی کاملاً کنار گذاشته شود. در چنین شرایطی، وقتی که برخی نهادهای بین المللی بر مبنای منافع و مصالح خود فشارهایی را بر جمهوری اسلامی اعمال می کنند (مثلاً قطعنامه اخیر نهاد حقوق بشر سازمان ملل علیه عملکرد رژیم ایران)، طبقه حاکمه نیز خود را ناچار به ضد حمله می بیند تا به اصطلاح نشان دهد "بیدی نیست که به این بادها بلرزد". با توجه به اینکه در فشار سیاسی اخیر سازمان ملل، مشخصاً سرکوب فعالان و تشکل های کارگری در ایران طی سال گذشته محکوم شده است، می توانیم بگوییم که دستگیری های جدید با نیم نگاهی به این فشار نیز صورت گرفته است و حالت دهن کجی به آن قطعنامه را هم دارد.

باید تاکید کنیم که اشاره ما به وجود مجموعه ای از تضادها و تأثیرات هر یک بر سیاست ها و تدابیر هیئت حاکمه، به هیچ وجه به معنی مرتبط دانستن این گرایش و یا آن عنصر فعال کارگری و اجتماعی به دعوای و کشمکش های جناحی یا بین المللی نظام حاکم نیست. هدف ما روشن کردن پیچیدگی های صحنه و تداخل و تأثیر گذاری متقابل تضادهای گوناگونی است که ماهیت های متفاوت دارند. آنچه در این صحنه پیچیده می باید راهنمای عمل فعالان و مبارزان راستین راه رهایی طبقه کارگر و توده های مردم باشد، وضوح و پیگیری و پایداری در مورد اهداف انقلابی و منافع اساسی طبقاتی، و ترسیم مداوم خط مرزهای روشن با اهداف و راهبردها و راهکارهای دشمنان طبقاتی (از هر جناح، داخلی یا خارجی) است. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محسن حکیمی و ابراهیم مددی هستیم!

همه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً آزاد شوند!

فردا از آن طبقه کارگر است!

جمعی از فعالین کارگری (jafk) - دی ماه 13 78

تنها در سال جاری جنگ ماهانه ۱۲ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است، که سه برابر سال های اول جنگ است. ... کارشناسان یادآوری کرده اند که دو جنگ عراق و افغانستان برای سایر کشورها نیز هزینه سرسام آوری در برداشته که طبعاً در این گزارش تازه ذکر نشده است.

هم چنین به نظر کارشناسان صندوق بین المللی پول در گزارش مالی تازه از بسیاری هزینه ها و زیان های جدی جنگ نامی برده نشده است. به ویژه در عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون موسسات بی شماری غارت شده، کارخانه ها، بیمارستان ها، مدارس و ساختمان های بی شماری طعمه حریق شده و کل شالوده زیرساختی این کشور نابود شده است... در گزارش اعضای دموکرات کمیسیون اقتصادی کنگره برآورد شده است.. که هزینه متوسط جنگ عراق برای هر خانواده آمریکایی 20000 دلار خواهد بود.

* - حمله موشکی به پاکستان

بر اساس اعلام مقامات محلی در شمال پاکستان، در جریان حمله موشکی هواپیماهای بدون سرنشین ارتش آمریکا به نقطه ای در خاک این کشور 5 تن کشته شده اند.

* - تهدید دختران

مقام های پاکستانی اعلام کردند طالبان در منطقه دره سوات مانع از حضور دختران در مدارس شده و تهدید کردند هر دختری که بخواهد در کلاس های درس شرکت کند کشته خواهد شد.

فرمانده منطقه ای طالبان در یک سخنرانی در یک ایستگاه رادیویی.. گفته است: شما تا 15 ژانویه فرصت دارید مانع از رفتن دخترانتان به مدارس شوید. اگر به این هشدار توجه نکنید ما دخترانی را که به مدرسه بروند خواهیم کشت. ما هم چنین به مدارس هشدار می دهیم که حق ندارند پذیرای دانش آموزان دختر باشند در غیر این صورت مدارس منفجر خواهد شد.

گفته است: شما تا 15 ژانویه فرصت دارید مانع از رفتن دخترانتان به مدارس شوید. اگر به این هشدار توجه نکنید ما دخترانی را که به مدرسه بروند خواهیم کشت. ما هم چنین به مدارس هشدار می دهیم که حق ندارند پذیرای دانش آموزان دختر باشند در غیر این صورت مدارس منفجر خواهد شد.

* - شمار اعدام ها در سال جاری میلادی به بیش از 350 نفر می رسد که نسبت به سال 2006 دو برابر شده است. بر اساس آمار سازمان عفو بین الملل، 177 نفر در سال 2006 در ایران اعدام شده بودند.

هم چنین در سال 2008 چند کودک ایرانی نیز اعدام شدند... طی سال های اخیر حداقل 24 کودک زیر سن قانونی در ایران اعدام شده اند.

* - بیش از 20 میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق

روزنامه اعتماد ملی، 30 آذر 1387 - 20 دسامبر 2008، نوشت:

« ۲۹ تا ۵/۳۲ درصد از جمعیت کشور در زیر خط فقر مطلق قرار دارند که این درصد بیش از ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را شامل می شود. ».

* - کشتار تصادفات رانندگی در ایران

خبرگزاری حکومتی ایسنا، 9 دی 1387 نوشت، جانشین رییس پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی، از کشته شدن 17 هزار و 333 تن در تصادفات رانندگی طی هشت ماهه امسال خبر داد و با اشاره به این که 11 هزار و 961 تن در تصادفات جاده ای برون شهری جان باختند، گفت: 70 درصد تلفات تصادفات رانندگی در جاده های کشور بوده است.

* - «ایران، منجلاب مواد مخدر»

سردبیر اشترن از جدیدترین آمار ارائه شده توسط سازمان ملل یاد می کند که به موجب آن در هیچ کجای دیگر جهان به جز ایران، با توجه به میزان جمعیت، افراد معتاد به مواد مخدر وجود ندارد... دختران نوجوانی که برای تامین مواد مخدر مورد نیاز خود و مادرشان مجبور به تن فروشی هستند... ... پارک کوثر در جنوب تهران، مکان بعدی است که خبرنگار مجله «اشترن» به آن جا رفته است. او می نویسد: «منطقه اطراف پارک کوثر بدون شک بزرگ ترین صحنه جلوه گری مواد مخدر در خاورمیانه است. چمن ها پوشیده از سرنگ های مصرف شده است و ظهرها بر روی نیمکت های پارک می توان شمار زیادی از مردان خمیده ای را دید با گونه های فرورفتاده و چشمان از هوش رفته.»

* - سولانا: گزارش ژانسی نگران کننده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سولانا پس از انتشار گزارش محمد البرادعی درباره پرونده هسته ای ایران گفت که ادامه غنی سازی اورانیوم از سوی حکومت اسلامی بر اساس این گزارش، نگران کننده است.

* - دستگیری 14 هزار افغانی در تهران: سرتیپ عزیزالله رجب زاده افزود: فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی هفت ماه گذشته تعداد 14 هزار و 743 نفر از اتباع افغانی را دستگیر کرده است که از این تعداد 12 هزار و 141 نفر به علت حضور غیر مجاز از کشور اخراج شدند.

* - روزنامه رسالت، سه شنبه ۱۰ دی ۱۳۸۷، از وجود ۸۴۸ هزار کودک دارای همسر در کشور خبر داده است. این روزنامه از قول رئیس انجمن حمایت از حقوق کودکان نوشت: «حدود هفت درصد از کودکان سنین ۱۰ تا ۱۸ ساله کشور تا سال ۸۵ ازدواج کرده اند که این درصد بالغ برحدود ۸۴۸ هزار کودک اعم از دختر و پسر می شود...» ۶۲ هزار نفر از این کودکان ازدواج کرده دارای همسر، کم تر از ۱۴ سال دارند... قوانین جزا و مدنی ایران سن بلوغ برای دختران را ۹ سال قمری تمام و برای پسران ۱۵ سال قمری تمام تعیین کرده است.

* - ماموران با هجوم به دفتر عبادی اسناد و مدارک او را بردند یک هفته پس از بستن دفتر کانون مدافعان حقوق بشر در تهران، پنج نفر تحت پوشش مامور مالیاتی با هجوم به دفتر وکالت شیرین عبادی پرونده ها، اسناد و دو کامپیوتر وی را با خود بردند.

* - سنگسار: روز جمعه، ۶ دی ماه ۱۳۸۷، مردی در گورستان بهشت رضا در شهر مشهد، سنگسار شده است. بر اساس این گزارش، دو مرد که به سنگسار محکوم شده بودند، هم زمان در خاک قرار گرفته و سنگسار شدند. اما یکی از این دو نفر، به نام محمود، موفق شد که خود را از گودال بیرون بکشد و آزاد سازد. وی به این ترتیب از مرگ با سنگسار رهایی یافت. اما مرد دیگر، که نام او هنوز فاش نشده است، با سنگسار به قتل رسید.

* - دستگیری فعالین جنبش کارگری: روز دوشنبه 2 دی ماه نیز دو تن از فعالان کارگری، «بیژن امیری» و «محسن حکیمی»، عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و عضو علی البدل کانون نویسندگان، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده و هم اکنون در زندان اوین بسر می برند. در همین روزها 5 تن از فعالین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه احضار شدند.

ماموران امنیتی روز 4 دی ماه «پدرام نصراللهی»، را در منزلش بازداشت و کامپیوتر و برخی لوازم شخصی وی را نیز ضبط کردند. پدرام نصراللهی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، به دادگاه سندنج منتقل شده است.

ابراهیم مددی، نائب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه نیز ساعت ۱۴ امروز ۲۶/۱۲/۲۰۰۸، دستگیر گردید.

بنا به دعوت کانون صنفی معلمان ایران، معلمان و فعالان فرهنگی صبح امروز چهارشنبه 11 دی ماه در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زده و خواستار اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری شدند.

ماموران انتظامی و امنیتی حکومت اسلامی، به صفوف صدها معلم معترض یورش بردند و یازده نفر از آنان را بازداشت کردند.

از سوی دیگر، پرونده سازی بر علیه محمود صالحی، این چهره سرشناس جسور جنبش کارگری ادامه دارد. اخیراً، فردی به نام محمد رحیم پور را اجیر کرده اند تا شکایتی را بر علیه محمود صالحی تنظیم کند. در بی شکایتی فرد مذکور، این بار شعبه ۱۰۲ دادگاه جزائی سقز به ریاست قاضی پور آقا بالا، محمود صالحی را به پرداخت جزای نقدی مجموعاً به ۴۱۰۰۰۰ تومان محکوم کرد که مبلغ فوق توسط محمود پرداخت شده است.

* - 16 آذر، روز دانشجو در ایران:

در آستانه روز دانشجو در ایران، کمپین حقوق بشر اعلام کرد: «201 دانشجو در یک سال و نیم گذشته بازداشت شده اند.»

* - هیات نظارت بر مطبوعات و وظیفه صدور پروانه انتشار برای متقاضیان و نظارت بر عملکرد مطبوعات را بر عهده دارد. حاصل عملکرد این هیات تاکنون تعطیل و توقیف ۲۰۰ نشریه است.

* - گزارشگران بدون مرز: ایران سال هاست به لحاظ تعداد روزنامه نگاران زندانی صدرنشین کشورهای خاورمیانه است و با ۱۰ روزنامه نگار و وب نگار زندانی، بزرگ ترین زندان خاورمیانه برای روزنامه نگاران محسوب می شود.

* - یونان: پس از کشته شدن یک نوجوان به ضرب گلوله پلیس یونان در شهر آتن در اوایل آخرین ماه سال، چندین شهر دیگر این کشور دستخوش تظاهرات شد. این ناآرامی ها هشت روز به طول انجامید.

* - غزه را نابود می کنند

نظامیان اسرائیلی از 27 فوریه تا 3 مارس سال جاری میلادی با حمله گسترده نظامی به نوار غزه موسوم به عملیات «زمستان داغ»، 117 فلسطینی از جمله 33 کودک را به قتل رساندند. از میان جان باختگان هفت کودک نوزاد زیر شش ماه بودند. در این حمله هم چنین 200 نفر مجروح شدند که بالغ بر 50 نفر آنان کودک بودند.

بر اساس این گزارش، از آغاز سال جاری میلادی تاکنون دست کم 101 کودک فلسطینی کشته شدند.

در طول این مدت هم چنین 450 کودک فلسطینی به دست نظامیان اسرائیلی مجروح شدند.

گزارش جنبش جهانی دفاع از کودکان، هم چنین حاکی از آن است که در سال میلادی کنونی صدها کودک فلسطینی به دست اشغالگران اسرائیلی بازداشت شدند.

بر پایه این گزارش، 297 کودک اسیر هم چنان در بند زندان های حکومت شغالگر اسرائیل، به اتهام ضربه زدن به امنیت اسرائیل از جمله پرتاب سنگ به طرف دیوار حایل به سر می برند که شش نفر از این کودکان دختر هستند. محاصره نوار غزه توسط ارتش اسرائیل، تاکنون آثار ویرانگری برای نوار غزه به دنبال داشته است، به طوری که هم اکنون 85 درصد ساکنان نوار غزه به کمک های غذایی وابسته هستند و نرخ فقر و بی کاری به شدت افزایش یافته است که همه این مشکلات و قانون شکنی های سازمان یافته در دراز مدت آثار بسیار ناگواری را بر کودکان و به طور کل جامعه فلسطین خواهد گذاشت.

خبرنگاری که ساکن غزه است و نخواست نامش فاش شود به سی.ان.ان گفت که حمله روز شنبه اسرائیل مهم ترین حمله به غزه طی چند دهه گذشته بوده است.

در همین زمینه یک مقام بلندپایه نظامی اسرائیل به خبرنگاری رویترز گفته است حملات روز شنبه «مرحله آغازین» سلسله عملیاتی است که احتمالا شامل عملیات نیروهای زمینی و محاصره غزه نیز خواهد بود.

* توافق 6 کشور عرب بر سر پول واحد
6 کشور عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس، در جریان نشستی در عمان درباره رایج کردن پول واحد به توافق دست یافتند.
* زندان گوانتانامو

برخی کشورهای اروپایی اعلام کردند، در صورت بسته شدن زندان «گوانتانامو» حاضر به پذیرش تعدادی از زندانیان این زندان در کشور خود می باشند. گفتنی است که هم اکنون 250 زندانی در زندان گوانتانامو در زیر شدیدترین شکنجه های روانی و جسمی به سر می برند.

* آمریکا نلسون ماندلا را از فهرست تروریست ها حذف کرد
پس از گذشت 14 سال از انحلال حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی، آمریکا نام نلسون ماندلا قهرمان مبارزه با نژادپرستی را از فهرست سازمان های تروریستی حذف کرد. کاخ سفید اعلام کرد بوش با امضای قانونی که به مناسبت نودمین سال تولد ماندلا به تصویب کنگره آمریکا رسیده، نام وی و حزبش را از فهرست سازمان های تروریستی حذف کرد.

* ژان والژان «بینوایان» بار دیگر در دادگاه
طولانی ترین دعوی حقوقی ادبی در فرانسه بر سر رمان حماسی ویکتور هوگو، بینوایان، به نفع نویسنده دو دنباله بر این کتاب، و ناشر آن، پلون، به پایان رسید.

دادگاه استیناف پاریس، پس از هفت سال نهایتا به نفع پلون و فرانسوا سرزا که دو دنباله بر بینوایان نوشته و قهرمان آن، ژان والژان، را زنده کرده است رای صادر کرد و اعلام کرد که این دو کتاب «تجاوز به حقوق ویکتور هوگو» نیست.

* کودکان کار
بر اساس یک تخمین که از سوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد صورت گرفت، مشخص شد که یک ششم کودکان در جهان جزو کودکان کار هستند.

* آزارهای جنسی کودکان
اساس آمارهای که در یک نشست بین المللی در شهر «ریودوژانیرو»، برزیل ارائه شده، بیش از 220 میلیون کودک در جهان از آزارهای جنسی رنج می برند.

* پناهجویان
در دهه اخیر، دولت های پناهنده پذیر غرب، همواره قوانین خود را در پذیرش پناهجویان سخت تر کرده اند و عموما کنوانسیون 1951 را ژنو را رعایت نمی کنند.

* صندوق بین المللی پول
صندوق بین المللی پول (آی ام اف) پیش بینی کرده است که کشورهای پیشرفته جهان در سال 2009 نه تنها با نرخ منفی رشد اقتصادی مواجه خواهند بود و عملا در شرایط رکود قرار خواهند داشت، بلکه تولید ناخالص داخلی آن ها بیش از پیش بینی های قبلی کاهش خواهد یافت.

بدین ترتیب، سال 2008، به لحاظ اقتصادی و هم چنین به لحاظ ادامه جنگ و سرکوب، سال خوش آیندی نبود. بحران اقتصادی آمریکا، روز شنبه 13 سپتامبر 2008، به بحرانی ترین حد خود رسید و بلافاصله به کشورهای دیگر جهان نیز سرایت کرد.

سال 2008 را علاوه بر تشدید بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی، ادامه جنگ و درگیری در عراق و افغانستان و به ویژه حمله غیرانسانی نیروهای هوایی و زمینی ارتش اسرائیل به نوار غزه و کشتار بی وقفه مردم محروم این منطقه و هم چنین سرکوب های سیاسی و اجتماعی حکومت اسلامی ایران و... به پایان رساندیم.

برگرفته از مجموعه مهم ترین وقایع سال 2008، نوشته بهرام رحمانی

اعتراض جهانی علیه کشتار در غزه!

روشننگری. اعتراض جهانی به تهاجم اسرائیل به غزه و ویرانی هاو کشتار فلسطینی های ساکن آن رو به گسترش است. علیرغم امساک رسانه های بزرگ انحصاری و علیرغم اینکه اسرائیل از ورود خبرنگاران به غزه جلوگیری میکند و گزارشات محلی خبرنگاران این رسانه ها از خاک اسرائیل و زیر نفوذ اطلاعاتی های جنگی و تبلیغاتی دولت مهاجم ارسال میشود، اما آمار و اخبار تکان دهنده ای از ابعاد و نوع ویرانی و کشتار منتشر میشود که افکار عمومی را کم و بیش در جریان وقایع و ماهیت جنون آمیز و غیرانسانی حملات اسرائیل قرار میدهد. دانشگاه، مدارس، بازار، بیمارستان، مقر نیروهای امدادرسانی سازمان ملل، مساجد، اردوگاه پناهندگی و خانه های مسکونی هدف بمباران ها قرار گرفته است. هرنوع ساکن غزه در معرض حمله است حتی سه امدادگر سازمان ملل که در حمله به مقر آنها کشته شده اند. به گزارش شبکه الجزیره نه فقط ظرفیت بیمارستان بلکه ظرفیت گورستان پر شده و مردم برای دفن قربانیان دنبال جای گور میگرددند. برخی از درمانگاه های فوری در محل گورستان برپا شده اند و مردم کودکان خود را با همان لباس که در آن کشته شده اند و بدون شستن جسد خاک میکنند. اینها در حالی است که مهاجمان با تجهیزات کامل و از بالا به کمک جت ها و هلیکوپترهای بمب افکن و از پانین محفوظ در تانک شهر و مردم آن را زیر بمباران گرفته اند. همه اینها مستند شده و از طریق اینترنت و به ناچار کم و بیش توسط خود رسانه های بزرگ منتشر میشود. در نتیجه بر خلاف جنایاتی که قیل از حمله اخیر به غزه توسط اسرائیل علیه مردم فلسطین صورت میگرفت، حالا اخبار به محافل کوچک متریقی محدود نموده و همراه با عکس های تکان دهنده کودکان قربانی در جهان منتشر میشود و تصویر واقعی تری از دولت اسرائیل و عملکرد آن در ذهن مردم جهان باقی میگذارد.

علیرغم جو سنگینی که دستگاه های حاکم و رسانه های واگوی مواضع دولت های بزرگ بوجود آورده اند، به تدریج چهره های مشهور غربی به اعتراض ها می پیوندند و پیشتازان البته کسانی هستند که سابقه دراز مدت فعالیت حقوق بشری دارند. در تظاهرات لندن علیه حمله به غزه، آئی لئوکس خواننده شهیر راک، آکسی سایل کمپین معروف و بیگانکا جاگر مدل سابق و برایان انو موزیسین که یک ستون تحلیلی هم در هفته نامه آبزور مینویسد در کنار کن لیونگستون شهردار سابق لندن به اعتراضات پیوستند. آئی لئوکس به عنوان یکی از صد خواننده برجسته زن در تاریخ جهان خوانده شده است. آکسی سایل که خود یهودی است در لیست صد نفر برجسته ترین کمپین های جهان نفر 18 است، و بیانکا جاگر همسر سابق مایک جگر خواننده مشهور رولینگ استون است که خود عضو شورای رهبری سازمان عفو ملل و رئیس بنیاد حقوق بشر، است که با یک سری از سازمان های غیر دولتی حقوق بشری همکاری میکند. این سه نفر روز جمعه در یک کنفرانس مطبوعاتی نیز شرکت کردند.

آئی لئوکس: به عنوان یک انسان نمی پذیرم
آئی لئوکس در کنفرانس مطبوعاتی گفت: چند روز بعد از کریسمس بود از پله پائین آمدم و تلویزیون را روشن کردم و دود غلیظی را دیدم که از ساختمان ها بلند شدم. صحنه تا مغزاستخوانم را به درد آورد. به عنوان یک مادر و یک انسان فکرمیکنم چطور میتوان این کار را راهی برای رسیدن به صلح نامید. این یک مساله حقوق بشر است. حقوق بشر فراتر از مسلمان و یهودی است و ربطی به هیچیک از آنها ندارد. آنها باید برای مذاکره بنشینند. این فرصت کوچکی است قبل از اینکه همه چیز از دست برود. زیرا هر فردی که در غزه کشته می شود، 100 بمب افکن انتحاری تولید میکند. این فقط در باره غزه نیست، به همه ما مربوط است.

آکسی سایل: شرمنده ام
آکسی سایل نیز که مانند دو هنرمند سوابق دراز مدت فعالیت در دفاع از حقوق بشر دارد گفت این مهم است که یهودیان صاحب شهرت صدای اعتراض خود را بلند کنند. این نباید به نام ما صورت بگیرد. او اضافه کرد: دلم میخواهد به اسرائیل افتخار کنم، دلم میخواهد به مردم خودم افتخار کنم ولی اکنون شرمنده ام.

بیانکا جاگر گفت مایل است باراک اوباما را خطاب قرار دهد تا در این مورد به سخن در آید. او گفت: مردم جهان وقتی او انتخاب شد، امیدوار بودند و حالا باید از او بخواهند خواستار توقف فوری بمباران شهروندان نوار غزه شود.

کن لیونگستون: سفرای اسرائیل را قرا بخوانید
کن لیونگستون سیاستمدار به نام انگلیس که در دوره شهرداری لندن به شدت با حمله به عراق مخالفت کرده بود نیز از دولت های اتحادیه اروپا

بویژه انگلستان خواست سفرای خود را از اسرائیل فرابخوانند تا نشان بدهند با قصابی و جنایت سیستماتیک مردم بیگناه عرب را تایید نمی کنند. اعتراضات منحصر به لندن نبود. بنا بر گزارش دلیلی میل در تظاهرات جهانی روز جمعه، در پاریس 25000 نفر شرکت کردند و تظاهرات به خشونت، آتش کشیدن ماشین ها، زود خورد با پلیس و استفاده از گاز اشک آور توسط پلیس کشیده شد. علاوه بر پاریس در دیگر شهرهای فرانسه نیز به همین مناسبت تظاهرات برپا شد. بنابر گزارش دلیلی میل پلیس تعداد تظاهرکنندگان در شهر لیون را 8000 نفر، در نیس 3000 نفر و در مولهاس 3800 نفر ذکر کرد. سازمان دهندگان تظاهرات ارقام بالاتری ارائه میدهند.

در کشورهای دیگر نیز اعتراضات گسترده ای صورت گرفت از جمله در مادرید، چند شهر استرالیا، هلند، فنلاند، آفریقای جنوبی، ایرلند شمالی، ترکیه، مکزیک، کانادا، نیویورک، دویلین، کاتزاس، دنور، کاراکاس و اینها غیر از اعتراضات مداوم در کشورهای اسلامی است که علیرغم سرکوب دولتهای استبدادی حاکم صورت میگردد.

بر سر دو راهی محکوم کردن یا توجیه جنایت

علاوه بر تظاهرات و اعتراضات، در عرض یک هفته ای که اسرائیل مردم غزه را زیر آتش گرفت انبوهی مقاله نوشته شد که اطلاعات گسترده ای چه در مورد واقعیات تاریخی که اسرائیل تلاش میکند آنها را زیر پرده نگه دارد و چه در مورد شرایط کنونی به دست میدهد. برخی از مقالات نوشته شده به لحاظ تحلیلی یا ادبی از کیفیتی برخوردارند که بی تردید در تاریخ باقی خواهند ماند.* این مقالات علیرغم فعالیت شدید دستگاه تبلیغاتی اسرائیلی که در همه رسانه های بزرگ انحصاری فعال است، با توجه به عنصر اینترنت بدون تردید بر گسترش آگاهی نسبت به مساله فلسطین کمک میکند. حالا دیگر مانند دهه های گذشته نیست که اکثریت مردم از واقعیات مربوط به بحران فلسطین بکلی بی خبر باشند. در حمله اخیر ابعاد فجایع و جنایات جنگی، در همان سطح که در رسانه های انحصاری مطرح میشود چنان است که دیگر انکار وقوع جنایت از طرف اسرائیل و مدافعان علنی و شرمگین آن غیر ممکن شده است. وقتی اسرائیل مردم غزه را در محاصره غذایی و دارویی می کشد، تاکنون 264 نفر، همانطور که الکساندر کابرن نویسنده آمریکایی اشاره کرده، نمی شود با قرار دادن یک شیشه خالی دارو در مقابل دوربین به نحو دراماتیک، نمی شود قساوت اسرائیل را به خوبی نمایش گذاشت. اما تصویر دختر بچه ای که در بستر خوابش بمباران شده و یا مادری که روی جسد 5 دختر خود شیون میکند و تصویر آن در صفحه اول واشینگتن پست منتشر شده است، به اندازه کافی گویاست. برخی از مقالات نوشته شده به لحاظ تحلیلی یا ادبی از کیفیتی برخوردارند که بی تردید در تاریخ باقی خواهند ماند.

به این ترتیب است که می بینیم حالا در بحث های مربوط به این وضعیت هولناک، صحبت از انکار جنایت نیست. بلکه حول محکوم کردن جنایت اسرائیل یا توجیه، جنایات اسرائیل با توسل به بهانه های مختلف است که بحث صورت میگردد.

حماس و جمهوری اسلامی، عوامل تصادفی

گسترده ترین و در عین حال رسواترین وسیله توجیه که خود دولت اسرائیل با صرف میلیاردها دلار اسپانسر آن است، توسل به ماهیت بنیادگرایانه حماس است. به این دلیل است که در اخبار رسانه های انحصاری حتی دانشگاه و بیمارستان و خانه های مسکونی که زیر بمباران قرار میگیرند به حماس منتسب میشوند.

این استدلال به این دلیل رسوایی اور و تف سربالاست که اگر هم تماما حقیقت داشت تازه این سوال پیش می آید شما در جنگ با دشمن بنیادگرا، چطور عمل میکنید؟ به خانه های شان حمله میکنید و به امید آنکه یک حماس بکشید، مثل موردی که هفته گذشته اتفاق افتاد زن و سه فرزند و جمعا 13 عضو خانواده را میکشید، به دانشگاه و بیمارستان حمله میکنید و ساختمان را بر سر بیمار و دانشجو خراب میکنید؟ به مسجدهای که 200 نفر مردم وحشت زده در آن پناه گرفته اند حمله میکنید و 13 نفر از جمله یک بچه را می کشید و ده ها زخمی برجای میگذارید؟ پلیس های راهنمایی و رانندگی را زیر بمب له میکنید؟ همه اینها برای اینکه چند تفنگچی حماس بکشید؟ برپا کردن کوره آدم سوزی و انداختن همه ساکنین مکان های، مشکوک، به درون آن چطور است؟ مجاز دانستن بمباران دانشگاه به بهانه اینکه، دانشگاه اسلامی، یا، مدرسه حماس، بوده مثل این است که طرف بنیادگرا هم بمباران دانشگاه هاروارد یا استانفورد را مجاز بداند چون بسیاری از رهبران و یا حتی مزدگیران دولت آمریکا سازمان های صهیونیستی در آن پرورش پیدا میکنند. مگر توجیه بن لادن در مورد بمباران سازمان تجارت جهانی غیر از این بود.

تعهد یک دولت، یک نهاد یا یک شخص به حقوق بشر، درست در برخورد با دشمن و مخصوصا بدترین دشمن به محک گذاشته میشود، وگرنه همه نسبت به خود، و، خودی، ها مهربان هستند و نیازی به کنوانسیون ژنو برای مهربانی به یکدیگر ندارند. و همانطور که آنی لنوکس هم در کنفرانس مطبوعاتی گفت حقوق بشر از مسلمان و یهودی فراتر میروند.

اما واقعیت این است که عامل اصلی بحران فلسطین و زمینه اصلی کشتارها و جنایات اسرائیل اسرائیل حماس نیست. مردم فلسطین هدف اصلی این جنایات هستند. این کشتار خیلی قبل از آنکه حماس بوجود بیاید یعنی از 60 سال پیش جریان داشت و در ورای نابودی احتمالی یا سازش احتمالی حماس هم ادامه خواهد یافت. جاناتان کوک روزنامه نگار و تحلیل گر مسایل بحران فلسطین حتی معتقد است بعید نیست روزی حماس را همان جا ببینیم که امروز عباس نشسته است و هدف حمله اخیر هم همین است، اما بحران فلسطین ادامه خواهد یافت. چنانکه قبل همین مسیر در مورد یاسر عرفات و سازمان آزادیبخش او طی شد. علت این است که نه تنها موجودیت اسرائیل همانطور که آن پایه مورخ مشهور اسرائیلی مستند کرده است مرهون کشتار، کوچ اجباری، زمین دزدی بود بلکه دولت اسرائیل این سیاست را بهترین تضمین برای حفظ سلطه یک دولت نژادی و قومی در شرایطی میداندست که عوامل دموگرافیک آن را در اقلیت قرار میداد. بعلاوه اسرائیل به عنوان یک واحد دولتی از طریق ایجاد بحران در خاورمیانه است که میتواند میلیاردها کمک بگیرد، سیاست را در آمریکا به گروگان بگیرد، دولت های آمریکا و اتحادیه اروپا را به دنبال سیاست های خود بکشانند و حتی بعد از سقوط شوروی که نقش اسرائیل را در مقابل دولت های متمایل به آمریکای عرب زیر سوال برد، به عنوان دولت ویژه در خاورمیانه باقی بماند.

در دوده اخیر یعنی در دوره نولبیرالی یک بعد جدید هم به این همه اضافه شده است: منافع تجاری نخبگان. اسرائیل نه تنها پنجمین ارتش جهان را دارد و کمک های عظیمی نظامی دریافت میکند بلکه خود یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان اسلحه در جهان است. بسیاری از نخبگان قدرتمند در اسرائیل از شرکای اصلی این صنایع و سایر انحصاراتی هستند که مستقیما یا غیرمستقیما از تشدید بحران ها سود میبرند. بعلاوه نخبگان قدرتمند در اسرائیل از طریق بازار رابطه ارگانیک تری با نخبگان سیاسی و بازاری در آمریکا و اروپا و سراسر جهان برقرار میکنند که منافع شان به هم گره خورده است. ادامه این روابط مستلزم قربانی کردن مردم فلسطین است.

اینها زمینه اصلی نسل کشی های 60 ساله از مردم فلسطین و تداوم بحران را تشکیل میدهد. سازمان آزادی بخش، عرفات، حماس، عباس، سوریه، حزب الله لبنان، رژیم اسلامی ایران عوامل فرعی هستند که بر این زمینه عمل کرده و مدتی به این بحران وصل شده و بعد فصل میشوند. آنها به لحاظ تاریخی عوامل تصادفی محسوب میشوند. برخی از این نیروها گاه موضع خود را عوض کرده و از یک طرف به طرف دیگر نقل مکان میکنند. از همدردی به مردم فلسطین تا شرکت در سرکوب آن یا برعکس. مثال بارز سوریه است که خود مدتی به کشتار وسیع فلسطینی ها اقدام کرد و حالا سیاستی دیگر اتخاذ کرده است.

در هر دو طرف این بحران تدریج و میانه رو هست، همانطور که در میان ائتلاف های خارجی و قلم به دستانی که در این رابطه فعالند و اگر اوضاع به دست تندروهای دو طرف داده شود جهان را به آتش می کشند. اما محکوم کردن تندروهای دو طرف کاری ساده و در عین حال بزدلانه است، زیرا چیزی که این میان نباید فراموش کرد این است که آنچه در طول این 60 سال علیرغم عوض شدن دایم صحنه ها و چهره ها ثابت مانده سرکوب حق ملت فلسطین است و کشتارها و ویرانگری های اسرائیل از مردم فلسطین که به صورت لکه ننگ برجسته ای بر تارک تاریخ قرن 20 و حالا دهه اول قرن 21 نقش بسته است. یک مدافع ساده حقوق بشر که هدف های خود ویژه سیاسی در خاورمیانه و در پس کله خود ندارد، همانطور که آنی لنوکس در تظاهرات لندن به اشاره گفت به عنوان یک انسان نمیتوان این لکه را تحمل کرد.

15 دی 1387 برگرفته از سایت روشنگری

گزارش دلیلی میل از تظاهرات علیه کشتار در غزه همراه با تصویری از صحنه های تظاهرات
<http://www.dailymail.co.uk/news/article-1104730/Demonstrators-hurl-shoes-Downing-Street-day-global-protest-Israeli-attacks.html>

*مقالاتی در مورد تهاجم اخیر اسرائیل به غزه
http://www.palestinechronicle.com/view_article_details.php?id=14575

http://www.palestinechronicle.com/view_article_details.php?id=14584

http://www.palestinechronicle.com/view_article_details.php?id=14592

http://www.palestinechronicle.com/view_article_details.php?id=14585

درس های سرکوب

امیر پیام

جمهوری اسلامی بار دیگر بر سیاست سرکوب فعالین کارگری شدت بخشیده است. در 30 آذر ماه سال جاری پنج نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به اسامی علی نجاتی، فریدون نیکو فر، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری مهر، به اتهام «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» در دادگاه دزفول محاکمه شدند. بمدت چند روز پس از این محاکمات چند تن دیگر از فعالین کارگری به ترتیب بیژن امیری، محسن حکیمی، ابراهیم مددی، پدram نصرالهی و بختیار رحیمی توسط لباس شخصی های رژیم دستگیر شده و به اوین و بند 209 و نقاط نامعوم دیگر برده شدند.

همانطور که انتظار می رفت همه این بازداشتها و آدم ربایی ها و اذیت و آزارهای فعالین کارگری و سیاست سرکوبگرانه رژیم از طرف فعالین و اهزاب و جریانات چپ و کارگری محکوم شد و جمهوری اسلامی برای راهبانی فعالین کارگری مورد اعتراض و تحت فشار قرار گرفت. اینها اقداماتی مهم اما رویتین و اولیه اند که می باید بی درنگ در حمایت از فعالین و مبارزات کارگری و در اعتراض به سیاست های ضد کارگری و سرکوبگرانه رژیم انجام داد. اما در عین حال لازم است با درس آموزی از این سیاست های سرکوبگرانه، به حمایت از فعالین و مبارزات کارگری، و نیز به مبارزه علیه سیاست های ضد کارگری و سرکوبگرانه رژیم عمق و وسعت و ابعاد بیشتری بخشید.

طبعاً هدف رژیم از این سرکوبها چیزی جز افزایش هزینه مبارزه برای فعالین کارگری و ایجاد دلسرده و تردید نسبت به ثمر بخشی مبارزه و تضعیف و خاموش نمودن آن، و نهایتاً حفظ و تحکیم همین موقعیت فقر و فلاکت و بی حقوقی و بی منزلتی طبقه کارگر نیست. درس های ما از سیاست های سرکوب اما درست نقطه مقابل این اهداف رژیم، و برای گسترش بیش از پیش اعتماد بنفس و همدردی و همیاری در بین فعالین کارگری، و برای تقویت امید به توفیق مبارزات کارگری و قدرتمند شدن طبقه کارگری کسب نیازها و مطالبات اش می باشد. یعنی هر بار به هنگام مواجه با شدت یابی سیاست سرکوب لازم است به استنتاج آن درس ها و نکاتی اندیشید که به انسجام و استحکام مبارزات کارگری و از آنجا به اقتدار طبقه کارگر در صحنه سیاست ایران بیانجامد. و این اساسی ترین و بنیادی ترین سیاست کارگری برای مقابله با سیاست سرکوبگرانه ارتجاع است.

اولین درس اینست که مقابله با سرکوب ارتجاع اسلامی در ایران و تضعیف و خنثی نمودن آن اساساً در گرو وجود یک جنبش عظیم و توده ای طبقه کارگر است. تنها چنین جنبشی می تواند و قادر است در سطحی کلان ماشین سرکوب و دستگاههای اتمکشی ارتجاع را عقب براند. برپایی چنین جنبشی خود نه تنها نیازمند کار بی وقفه برای برپایی تشکل های توده ای کارگران در محیط های کار است؛ بلکه همچنین در گرو افشا و طرد صریح همه آن سیاست ها و روش های ریز و درشتی است که زیر عناوین «چپ» و «کمونیست» و «گرایش رادیکال» و «ضد سرمایه داری» و «لغو کارمزدی» و «ضد امپریالیسم»، به جان جنبش نوپا و جوان کارگری افتاده و از درون آنرا تضعیف می کنند. سیاست هایی که ذره ای رحم ندارند که این جنبش فی الحال زیر ضرب یکی از ارتجاعی ترین و خونبار ترین حکومت های سرمایه داری قرار دارد. نمی توان علیه دستگیری فعالین کارگری اطلاعیه داد و در همان حال چنین سیاست های مخربی را یاد زد. به این معنا، ایجاد سنگر بندی مستحکم طبقاتی کارگران در برابر دستگاه سرکوب ارتجاع مستلزم بدور ریختن همه این سیاست های مخرب است.

در هفته های اخیر، علم کردن معرکه «سولیدارتی سنتر» از طرف طیفی از توطئه گران حرفه ای و برخی فعالین غیر مسنول و ساده انگار که به این معرکه پیوستند، بطور مشخص آن سیاست ضد کارگری و مخربی است که باید قاطع و صریح افشا و طرد شود که خوشبختانه بعضاً هم چنین شد. این دومین درس از سیاست سرکوبگرانه رژیم است. کسانی که به هر طریقی به این معرکه گیری ضد کارگری پیوستند و مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و پنهان، صریح و یا مودیان مشغول ایجاد این شبهه و القای آن شدند که گویا «سولیدارتی سنتر» عواملی در جنبش کارگری دارد، باید بدانند که همه اظهارات آنان به تقویت سیاست سرکوب رژیم علیه جنبش کارگری و فعالین آن منجر شده است. هنگامی میتوان به عمق تخریب این سیاست پی برد که توجه شود همه می دانیم کل داستان «نفوذ سولیدارتی سنتر» از بیخ بن پوچ و بی پایه و دروغ است، و نه

فقط این، بلکه همچنین کل جنبش مستقل کارگری ایران بسیار جلوتر از این معرکه گیران، آگاه و متوجه «سولیدارتی سنتر» بوده و علیه اینگونه مراکز ضد کارگری و ضد کمونیستی می باشد. بنابراین سیاست ایجاد شبهه نسبت به جنبش کارگری در رابطه با این مرکز، با توجه به اینکه برپا کننده گان آن بروشنی واقفند سیاست شان مستقیماً در خدمت تقویت موضع جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر است، سیاستی عمیقاً ضد کارگری و توطئه گرانه می باشد. از اینرو محکوم نمودن سیاست سرکوبگری رژیم در مقطع کنونی در عین حال به معنای محکوم نموده صریح این سیاست ضد کارگری و دوری جستن از آن نیز هست. صف مقابله با سیاست ضد کارگری و سرکوب گرانه رژیم برای حفظ سلامت و انسجام و استحکام خود باید که در عین حال صف مقابل معرکه گیری ضد کارگری پیرامون «سولیدارتی سنتر» باشد.

بالاخر گفتیم که پس زدن و شکست دادن سیاست های سرکوبگرانه رژیم نیازمند پیدایش جنبش قدرتمند و توده ای طبقه کارگر است که خود در گرو پیدایش تشکلهای توده ای کارگری در محیطهای کار است. امروز خوشبختانه دو نمونه از این تشکلهای یعنی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه بوجود آمده اند که نمود قدرت کنونی طبقه کارگر ایرانند. در واقع شدت یابی دوباره سیاست سرکوب رژیم نشانده وحشت آن از این تشکلات و واکنشی به نضج و عروج تشکلهای توده ای کارگران در محیطهای کار است. رژیم امیدوار بود با سرکوب بی رحمانه سندیکای کارگران واحد، این پیشگامان تشکل یابی توده ای و مستقل کارگران در تاریخ معاصر ایران، این روند را متوقف کند. اگر چه سندیکای کارگران واحد در فشارها و مکنگنه های سنگین و خردکننده قرار گرفت، اما استقامت و پایداری پر افتخار آنان تا همین امروز به انتقال تجربیات پرولتاریایی و گرانهای نبردهای این سندیکا به همه بخش های جنبش طبقاتی منجر شد. پیشروی این تجربه طبقاتی عزیز و شریف اگر چه در قالب اولیه خود یعنی سندیکای کارگران واحد با موانع سنگین مواجه گشت، اما از سنگر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت و صلابت سر بلند کرد. این روندی است که همه مراکز کارگری را به تلاطم انداخته و نوید بخش پیدایش تشکلهای توده ای کارگری بسیار بیشتری در آینده نزدیک است.

طبعاً رژیم اسلامی سیاست سرکوب تشکلهای توده ای و تخریب این روند نوید بخش و سرکوب همه فعالین کارگری و هر نوع فعالیت و مبارزه کارگری را باز هم شدت بیشتری خواهد بخشید. اما مقابله با سیاست سرکوب نه صرفاً محکوم نمودن آن، بلکه مستلزم تقویت تشکلهای توده ای موجود و تقویت روند نوید بخش رشد و گسترش آنان است. بنابراین محکوم نمودن و طرد همه آن سیاست ها و روش هایی که زیر پوشش «ضد سرمایه داری» و «شورا خواهی» و «لغو کارمزدی» و «گرایش رادیکال»، بی تعارف و آشکار به تضعیف این روند نوید بخش طبقاتی و به شکست کشاندن همین دوتا تشکل توده ای کارگری موجود کمر بسته اند، یک بخش اساسی سیاست کارگری مقابله با سرکوبهای ارتجاع حاکم است. نمی توان هم علیه سرکوبهای رژیم اطلاعیه داد و هم مشغول تضعیف و به شکست کشاندن جنبه طبقاتی و اصلی مقاومت در برابر سرکوبهای ارتجاع یعنی تشکلهای توده ای طبقه کارگر بود. یک سیاست طبقاتی و کارگری و رادیکال و کمونیستی علیه ارتجاع حاکم و سیاست های سرکوبگرانه آن یعنی اینکه ضمن محکوم نمودن سیاست های سرکوبگرانه رژیم، ضروری و حیاتی است که بی اما و اگر و صریح و قاطع تشکلهای توده ای کارگران را مورد حمایت گسترده و جاتانه قرار داد، و این سومین درس است. انتقادات احتمالی به سیاست های تشکلهای توده ای به جای خود محفوظ، اما لحظه ای نباید فراموش کرد (که بویژه در زیر یوغ ارتجاع اسلامی حاکم) از تشکلهای توده ای کارگری نظیر سندیکای کارگران واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه دفاع کرد و همچون مردمک چشم مورد حمایت جنبش سوسیالیستی و کمونیستی قرار داد.

در هفته های اخیر کمپین «افزایش دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست» از طرف سندیکای کارگران واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد کارگران و کانون دفاع از حقوق کارگران و جمع های کارگری بسیاری در کارخانجات و مراکز کارگری سازمان داده شده است. این کمپین که روشن بینی سازماندهندگان آن در مبارزه طبقاتی را نشان می دهد، در صورت پیشرفت و موفقیت می تواند جلوه ای از آن نوع مبارزات گسترده توده ای بشود که قادرند سیاست های سرکوبگرانه را به عقب برانند و توازن قوا را بطور واقعی به نفع کارگران تغییر دهند. اگر به عنوان یک هدف، این کمپین بتواند دهها و صدها هزار امضا برای افزایش دستمزدها جمع کند، آنگاه خود

فرستاده ویژه صلح خاورمیانه کجاست؟ درحراج آرمانی

روشنگری. تونی بلر فرستاده ویژه کوارنت برای خاورمیانه است. کوارنت عنوان گروه چهارگانه ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل است که در سال 2002 برای میانگیری در مناقشه بین اسرائیل و فلسطین و مذاکره برای برقراری صلح در خاورمیانه تشکیل شد. اینکه چطور سازمان ملل که قاعدتا برترین نهاد فراملیتی است در کنار اجزاء خود به بخشی از یک نهاد ظاهرا فرعی تبدیل شده تناقضی است حاکی از یک سیلی جاتانه دیگر به گوش سازمان ملل که بحث آن مفصل است.

به هر حال برای بلر به عنوان فرستاده ویژه سازمان ملل 400000 پوند بودجه گذاشته اند که تماما بوسیله به مالیات دهندگان کشورهای مختلف پرداخت میشود. برای اینکار او یک دفتر کار در اورشلیم دارد که کوارنت، یعنی مردم بابت آن سالیانه یک میلیون دلار می پردازند. این همه ی هزینه ای نیست که کوارنت برای فرستاده ویژه صلح خود در خاورمیانه هزینه میکند. دلیلی میل در اکتبر سال گذشته گزارش داد خانه جان ادامز نخستین سفیر آمریکا در انگلستان در نزدیکی سفارت کنونی آمریکا به عنوان دفتر کار جدید تونی بلر در پست جدید محسوب میشود و کوارنت بابت این ساختمان مجلل 6000 فوت مکعبی، سالی 550000 پوند می پردازد. به گزارش میل چهار کارمند برای بلر در نظر گرفته شد که سالیانه 100000 پوند دستمز میگیرند. یک تیم سازمان ملل هم با هزینه جدا برای کمک به او در نظر گرفته شده است.

بلر همان روز که از نخست وزیری کناره گرفت، در واقع برکنار شد، این پست را گرفت. وقتی او در مقابل تعجب و تمسخر، همگانی به این پست برگزیده شد به گزارش بی بی سی گفت: «حل مسایل خاورمیانه امکان پذیر است ولی به تمرکز شدید و کار عظیم نیاز دارد».

مرد صلح
حالا که این مطلب نوشته میشود روز سوم تهاجم اسرائیل به غزه است. به گزارش رسانه ها تاکنون 345 تن زیر حمله هوایی سنگین اسرائیل کشته و 1450 تن زخمی شده اند. یک چهارم کشته ها شهروندان بکلی بی دفاع اند. بسیاری از کشته ها و زخمی ها از یک خانواده. مثلا به گزارش گاردین انوار و سمیرا بالوشع هر پنج دختر 4.8.13.15.17 ساله خود را که در تشک های کنار هم در یک کلبه مخروبه در اردوگاه های پناهندگی خوابیده بودند، در حمله هوایی روز دوم از دست دادند. شعله های آتش و دود از شهر زیاته می کشد و گرسنگی در شهری که 19 ماه تحت محاصره غذایی و دارویی است، مردم را وادار کرده که بر وحشت خود غلبه کرده و در کوچه و خیابان هایی که زیر بمباران بی امان قرار دارد، گاه تا 5 ساعت در صف نانوائی بایستند و چون نانی به دست نمی آورند روانه نانوائی دیگر و صفی دیگر شوند. گزارش هایی که خبرنگاران روزنامه های معتبر رسمی میدهند اوضاعی را نشان میدهد که گویا هیتر در جنگ جهانی دوم پیروز شده است.

فرستاده ویژه کوارنت در رابطه با این فاجعه که به حوزه وظایف اخص اش مربوط است، چه اقدامی کرده است؟ هیچ! چه گفته است؟ هیچ! یک جمله؟ یک کلمه؟ نه، هیچ چیز، هیچ چیز! کلمه ای از دفترهای مجلل لندن و اورشلیم؟ نه! لاف تا دیروز که رابرت فیسک گزارشگر ایندپندنت در مورد تهاجم اسرائیل به غزه نوشت چنین بود. * سفیر ویژه برای میانگیری بین اسرائیل و فلسطین در طول ماموریتش از 18 ماه پیش تاکنون ادا پایش به غزه نرسیده است.

اصلا فرستاده ویژه کوارنت برای خاورمیانه کجاست؟ در یکی از دفاتر سازمان ملل؛ یکی از دفاتر اتحادیه اروپا؟

نه؟ او در لندن است و درست همان روزها که اسرائیل حمله را تدارک می دید، او مشغول تنظیم برنامه خود برای شرکت در حراج فوق العاده فروشگاه معروف مد آرمانی Armani بود. شوخی که نیست، جورجیو آرمانی سلطان دنیای مد در حراج مخصوص کریسمس اجناس خود را بین 30 تا 50 درصد ارزان تر میکند. و حراج آرمانی که هر حراجی نیست. ستارگان صحنه، صحنه هنر و ورزش یا صحنه سیاست، برای شرکت در آن با هم رقابت میکنند. دلیلی میل انگلیس و یک رشته رسانه ها و ویلاگ های متعدد گزارش شرکت بلر در این حراج را منتشر کردند. به نوشته میل آرمانی با این مشتری مهم خود مثل هر مشتری دیگری برخورد نکرد بلکه او را تا همان سطح ویژه ای بالا برد که مشتری های نامدار دیگر خود مثل مادونا و ویکتوریا بکهام ماتکن و همسر فوتبالیست معروف

پروسه امضا جمع کردنها به کاتال ایجاد ارتباطات گسترده تر کارگری و رشد مبارزه جویی و اتحاد و همبستگی کارگری و تشکل یابی منجر شده، و مطالبات و نیازهای طبقه کارگر از جمله مساله دستمزدها را به موضوعی سراسری و عمومی در کل جامعه بدل خواهد نمود. همین امکانات بالقوه کمپین افزایش دستمزدها برای به میدان آوردن و تقویت و گسترش جنبش توده ای طبقه کارگر، حمایت همه جانبه فعالین و جمع های کارگری و جریانات چپ و سوسیالیست را از آن ایجاب می کند. در واقع ما با حمایت و تقویت اینگونه کمپین ها که بویژه با حضور و شرکت تشکلهای توده ای موجود برپا می شوند، به رشد و گسترش جنبش توده ای طبقه کارگر که اساسی ترین سنگر مقاومت و مقابله با سرکوب ارتجاع حاکم است مستقیما یاری می رسانیم و این چهارمین درس است.

آخرین نکته به نقش ویژه فعالین کارگری و چپ و سوسیالیست در خارج کشور مربوط می شود. ما فعالین خارج کشور در کنار طرد و افشای سیاست های ضد کارگری تضعیف و تخریب جنبش مستقل کارگری، و همچنین دفاع و حمایت بی دریغ از تشکلهای توده ای کارگران و کمپین های توده ای آنان برای مطالبات کارگری، بطور ویژه برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سیاست های سرکوبگرانه آن از خارج کشور موظفیم.

در واقع فعالیتی که طی سه دهه اخیر به عنوان همبستگی با جنبش کارگری ایران توسط فعالین کارگری و احزاب و جریانات چپ و سوسیالیست در خارج جریان داشته است، شامل دو بخش جلب حمایت اتحادیه های کارگری جهان از جنبش کارگری ایران، و مبارزات آکسیونی علیه جمهوری اسلامی و سیاست های ضد کارگری آن بوده است. بخش اول این فعالیت ها عمدتا به نتایج خود رسیده اند. اکنون تشکلات کارگری از داخل یا عضو اتحادیه های کارگری بین المللی هستند و یا خود مستقیما تماس دارند و حمایت های بین المللی عمدتا از طریق این اینگونه ارتباطات انجام می شود. بنابراین دیگر نیازی به جلب حمایت های موازی و دوباره کاری و فعالیت تکراری نبوده و همچون سابق نیاز به صرف انرژی زیادی از فعالین خارج در این عرصه نیست. اما عرصه دوم یعنی مبارزه آکسیونی علیه جمهوری اسلامی نسبت به سالهای قبل

رو به افول بوده است. دلایل این افول هر چه باشد، اما نفس وقوع آن بشدت به ضرر مبارزات کارگری در ایران است. امروز مبارزه آکسیونی علیه جمهوری اسلامی و سیاست های ضد کارگری و سرکوبگرانه آن از خارج بخش مهمی از مبارزه جنبش کارگری در داخل و امتداد مبارزه طبقاتی در ایران است. به همان نسبت که جنبش کارگری رشد و گسترش می یابد، ارتجاع حاکم هم به سیاست های سرکوبگرانه خود شدت می بخشد، و بیش از پیش ضروری می شود تا به مبارزه آکسیونی علیه رژیم در خارج شدت و حدت بیشتری بخشید. لازم است آن بخش از انرژی فعالین که از فعالیت برای جلب حمایت اتحادیه ها آزاد شده به تقویت این مبارزه آکسیونی اختصاص یابد. هم رشد جنبش مستقل کارگری و تشکل های توده ای کارگران در ایران، هم پیدایش و توسعه ارتباطات بین المللی تشکلهای داخل و قرار گرفتن جنبش کارگری ایران در متن جنبش کارگری جهان، و هم شدت یابی سیاست سرکوبگرانه رژیم، این را نشان می دهند که مضمون همبستگی با جنبش کارگری ایران از طرف فعالین کارگری و چپ ایرانی در خارج بسط مبارزه آکسیونی علیه رژیم معنا می یابد و بر چنین مبارزه ای متمرکز میشود. از این تحول و جهت گیری نوین باید استقبال کرد و خارج کشور را به عرصه ای برای به میدان آوردن هزاران ایرانی مترقی و علاقمند به سرنوشت جنبش کارگری علیه جمهوری اسلامی و سیاست های ضد کارگری و ضد انسانی و ارتجاعي آن تبدیل نمود. به این ترتیب با پشت سر گذاشتن آکسیونهای چند نفره و چند ده نفره لازم است که برای برگزاری آکسیون های توده ای و بزرگ اندیشید و راه و چاره یافت. باشد که سفارت خانه های رژیم به مراکز برگزاری آکسیونها توده ای و پاتوق دایمی اعتراض علیه رژیم ضد کارگری بدل شوند. تا آنجا که به خارج کشور برمی گردد، جهت گیری فوق آن عرصه اساسی مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم است.

جنبش کارگری ایران وارد مرحله حساسی از مبارزه شده است. امروز دیگر نمیتوان به سطح کنونی حمایتها و محکوم کردنها اکتفا کرد و بدون توجه به ملزومات پیشرفت واقعی جنبش کارگری آن را تقویت نمود. توجه دقیق به مکانیسم های سرکوب و گرفتن درس های لازم از آن است که در ارتباط تنگاتنگ بطور واقعی به تقویت جنبش مستقل کارگری نوپا و تضعیف سیاست های سرکوبگرانه ارتجاع حاکم می انجامد.

20سامبر 2008- 10دی ماه 1387

انگلیسی را در آن سطح قرارداد شده است. حتی بالاتر از آنها. به این ترتیب که اولاً حراج خود را یک روز زودتر یعنی روز شنبه 20 دسامبر آغاز کرد. ثانیاً در فروشگاه رادر این روز به روی همه مشتریان خود بست تا آقای فرستاده ویژه کوارتت برای میانجی گری در خاورمیانه بتواند تمام فروشگاه عظیم را به تنهایی در اختیار خود داشته باشد. دیلی میل اضافه کرد: «تونی بلر 4 بادی گارد همراه داشت، دو تا برای بیرون فروشگاه و دو تا برای داخل آن. یک پرسنل متخصص خرید از آرماتی و یک خانم متخصص مد استایلینگ. هم همراه او بود. بلر چند هزار پوند لباس از مارک های بلک لبل، آرماتی خرید. بعلاوه متخصص مد که در استخدام شخصی بلر است و نام او مگی است، چند جنس تزیینی متناسب با کت و شلوارهایی که بلر خرید، برای او انتخاب کرد.»

شنبه ای که بلر در فروشگاه مشغول خرید بود اسراییل مراحل نهایی حمله به غزه را تدارک میدید. همه انتظار حمله را داشتند هرچند نه در چنین ابعاد سبعمانه ای. در واقع یک گزارش در گاردین میگوید اسرانیل حمله به غزه را 6 ماه بود که تدارک میدید. یعنی از همان موقع که با حماس بر سر آتش بس و مذاکره برای پایان دادن به محاصره غزه از یک طرف و پایان دادن به موشک پرانی های دستی از طرف دیگر توافق کرد. به هرحال تردیدی نیست که وقتی بعد از 6 ماه اسرانیل همچنان به محاصره غزه ادامه داد و یک هفته قبل از حمله اسرانیل، حماس اعلام کرد به علت ادامه محاصره غزه آتش بس را پایان یافته تلقی میکند، دیگر جنگ قطعی بود. صفحه و سیات هفته نامه انگلیسی زبان الاهرام که قبل از حمله تنظیم شده است، سه روز بعد از حمله هنوز مقاله ای را در بالای ستون های خود دارد تحت عنوان آماده برای آتش، که در آن حمله آتی اسراییل به غزه مورد بحث قرار گرفته است. به هرحال اف 16ها و هلیکوپترهای بمب افکن خاورمیانه برای شلیک صدتن بمب تنها در اولین حمله و غزه برای رفتن زیر آتش آماده میشد، و فرستاده ویژه صلح خاورمیانه برای رفتن به حراج بزرگ آرماتی.

مرد خانواده

تمام هفته ای که به حمله اسرانیل به غزه منجر شد همه جا صحبت از شروع جنگ بود. البته نه در خانه نماینده ویژه کوارتت برای حل مسایل خاورمیانه. آنجا بلر و همسر و فرزندان دلبندهاش در فکر خرید اجناس مارکدار برای کریسمس بودند. هرچه باشد تونی بلر نه فقط مرد صلح، بلکه مرد خانواده هم هست. به همین جهت توانسته در بطن اقتصاد آزاد، فرزندان را تولید کند که اگرچه به لحاظ تعداد، خانواده آنها را به خانواده های فلسطینی شبیه کرده ولی به لحاظ ارزش، اصلاً قابل مقایسه با خانواده هایی از نوع زوج انوار و سمیرا و 5 دخترشان در غزه نیستند، بویژه در رابطه با ارزش جان.

و این خانه هم که آنها در آن مشغول تدارک خریدهای کریسمس بودند هرخانه ای نیست. مردی که میداند برای انجام وظیفه اش به عنوان فرستاده ویژه سازمان ملل نیاز به تمرکز و کار عظیم است، در مورد تهیه خانه هم نمی توانست سهل انگار باشد.

تونی بلر در پایان کار نخست وزیری اش خانه ای در لندن به مبلغ 3.65 میلیون پوند خرید که بسیاری معتقدند طعنه به کاخ نخست وزیری انگلستان در شماره 10 داونینگ استریت میزند. خانم دپورا راس گزارشگر ایندپندنت نوشت این خانه 16 حمام دارد (دیلی میل تعداد حمام ها را 6 عدد ذکر کرده است. لابد دراینکه چه چیز را میتوان حمام خواند اختلاف تفسیر وجود دارد.) بلر یک خانه هم در مجاورت این خانه به مبلغ 800000 پوند خرید که آن را کوییده و به خانه اصلی وصل کند، زیرا خانه مدل جورجیایی اصلی فقط هفت اتاق داشت و خانم بلر به قصر علاقه دارد. تصاویر این قصر با معبد بالایش که سر در ابرها کم میکنند در اینترنت فراوان است.

این ششمین خانه ای است که بلر خریده است. زیرا او که یکی از رسولان برگزیده صاحبان سرمایه برای تبلیغ سرمایه داری نئولیبرالی بوده و هست به خوبی میداند که سرمایه های مالی و دلالی، اینترپرنور، بابادک هوا میکنند و در عصر سرمایه داری مدرن و بی در و پیکر هم درست مثل دوران فنودالی سرانجام این زمین را است که میماند و تازه وقتی هم رکود میرسد همه راه ها به رم ختم شده و تمام برنامه های نجات، سرانجام به فراهم کردن زمینه برای افزایش بهای مستغلات ثروتمندان منتهی میشود. در دوره رونق سرمایه نیز که بهای مستغلات به خودی خود در ابعاد نجومی رشد میکند. روزنامه ها نوشتند خود بلر خانه خود در دورهام را 30000 پوند خرید، ولی ارزش آن در پایان نخست وزیری اش به 250000 پوند رسید. او در پرستول هم املاکی به ارزش 5 میلیون پوند دارد که فقط بابت اقساط آن سالیانه 250000 پوند می

پردازد. اقساط خانه جدید در لندن را 16000 پوند گزارش کرده اند. **چطور بلر این اقساط های سنگین را می پردازد؟**

تردید نکنید منابع درآمد او از راه حلال، تامین میشود و به لحاظ قانونی نیز مو لای درزشان نمیرود. آنها به دزدی احتیاج ندارند. زیرا به خوبی میدانند سرمایه داری خودش دزدی است و وقتی بی در و پیکر و به اصطلاح نئولیبرالی هم باشد، کاملاً با گردش کار مافیای منطبق میشود.

ناچیزترین منبع درآمد، بلر، حقوق بازنشستگی پارلمانی اوست به مبلغ 63468 پوند. میدانیم او دوستان متنقدی دارد و این دوستان بویژه منتور، او و سلطان رسانه ای جهان یعنی روپرت مرداک که بلر را به پست نخست وزیری رساند و روابط نزدیک او با محافل نئومحافظه کارواشینگتن و مافیای ثروت و قدرت در جهان را سازمان داد، حتی قبل از پایان دوره نخست وزیری در فکر تامین منابع حلال، آتی برای او بودند. علاوه بر مشاغل مثل فرستاده ویژه، ترتیب دادن مجالس سخنرانی و در واقع روضه خوانی، یکی از این منابع است. بلر در کنار بیل کلینتون یکی از گران ترین روضه خوان، های منبرهای مدرن، است که بویژه در دوره نئولیبرالی رونق یافت و او، مخصوصاً قبل از شروع بحران مالی، در این منبرها با دریافت دستمزدهای گزاف برای بازار لجام گسیخته و انتقال کنترل ثروت های عمومی از دست دولت های انتخابی به سرمایه داران مالی تبلیغ میکرد. مثلاً برای یک موعظه ای 20 دقیقه ای از این نوع در منبری در چین در سال 2007 مبلغ 240000 پوند به او پرداخت شد. درآمدهای حلال و قانونی دیگر هم هست، مثلاً 2 میلیون دلار در سال به عنوان مشاور یک موسسه مالی در زوریخ. این به یک شغل، مدروز در عصر نئولیبرالی تبدیل شد. سیاستمداران بعد از پایان دوره سیاست بازی به دنیای انحصاری شرکت های تجاری میروند البته با ارتباطاتشان و از طریق همین ارتباطات است که شرایطی را برای معامله و غارتی فراهم میکنند که اکنون نتایجش را در بحران مالی اقتصادی می بینیم.

البته در میان منابع حلال، بازار یابی برای کتاب خاطرات، را هم نباید از یاد برد. موسسات انحصاری چاپ بیش از 7 میلیون دلار برای انتشار کتاب خاطرات بلر پرداختند و درآمد خانواده از خاطرات نویسی، آنقدر به مزه کرد که او هم کتاب خاطراتی نوشت که به علت اضافه کردن چاشنی صحنه های سکسی زیر چاپی نقد قرار گرفت، ولی خانم بلر به خبرنگار ایندپندنت گفت خوب که چی: «به قول هیلاری کلینتون همه را که نمیتوان راضی کرد». در مورد این جفت باید گفت الحمدالله خدا در و تخته را خوب به هم جفت کرده است و مرد خانواده در خانه خود همانقدر آرامش، دارد که به عنوان مرد صلح در دفاتر کار خود در اورشلیم و لندن.

و مرد خدا

تونی بلر اندکی بعد از پایان نخست وزیری اعلام کرد کاتولیک شده است. بنیادی هم به نام بنیاد ایمان، تاسیس کرد که قرار است آموزه های مذاهب یهودی، مسیحی و اسلامی در آن مورد بحث قرار گیرد. بنا بر گزارش بی بی سی این بنیاد سه هدف دارد: تقویت ایمان، افزایش گفتگو بین مذاهب، و مبارزه با فقر و جنگ.

ایجاد بنیاد ایمان، با اعلام این هدف ها توسط تونی بلر، تجسم کامل طنز است در قالب یک نهاد. مردی که با دروغ گفتن به پارلمان انگلیس وسایل تهاج به عراق را فراهم کرد و مسوولیت مرگ و آوارگی نزدیک پنج میلیون کودک و بزرگسال عراقی را بردوش دارد، مردی که ستیز تمدن های هانتینگتون تازه مرحوم شده را در میدان عمل پیاده کرد و در نتیجه بالای بنیادگرایی اسلامی را در منطقه گسترش داده و به ریش نسل های کنونی و آتی چسباند، مردی که با دفاع از غارت بی شرمانه سرمایه تحت عنوان اقتصاد آزاد، میلیون ها بلکه میلیاردها انسان را به خاک سیاه نشاند، با ادعای ایجاد بنیادی با هدف مبارزه با جنگ و فقر، و دامن زدن به گفتگوی بین مذاهب و یا دفاع از اخلاق، گویا میخواهد سیاست در عصر نوین را به شیوه ای نمادین به سخره بگیرد.

آقای بلر نه فقط به عنوان فرستاده خاورمیانه از جانب تمام منابع قدرت معتبر جهانی وظیفه دارد با جنگ، از جمله همین جنگ سه روزه در غزه، مبارزه کند بلکه یک وظیفه دینی و اخلاقی نیز برای خود قایل شده و آن را در بنیادش نهادی کرده است. اما به چه شیوه ای این وظیفه سیاسی، اداری، اخلاقی و دینی، را به انجام می رساند؟ شاید وقتی درست در هنگامه آتش و خون آنها در منطقه ای که به لحاظ قانونی حیطه خدمت اوست، بادی گاردها و خدمه و کارمندان را به حراجی آرماتی میبرد، میخواهد به جنگ دهن کجی کند و به مردم غزه (و البته نه اسرانیل) بگوید جنگ بد است... از من بیاموزید و به جای سنگ پرانی و

موشک بازی آنها با وسایل دستی که در جنگ های کنونی بچه بازی محسوب میشود، وقت تان را به خرید در آرماتی و خوشگذرانی روی کشتی تفریحی روپرت مرداک اختصاص دهید؟

منشاء حق طلبی، رژیم اسلامی ایران...

اما تونی بلر چه اهمیتی دارد. صف امثال او درصوف بالای مقامات سیاسی آنقدر دراز است که صف گرسنگان در صف های نانوائی کشورهای ما، البته به تناسب، اگر بلر تفاوتی با بقیه آنها داشته باشد این است که او در چنان سطح درخشانی فسادهمه جانبه قشر حاکم در دنیای معاصر را نمایندگی میکند که میتوان به این مناسبت از او مجسمه ای ساخت و برای معرفی سیاست و سیاستمداران حاکم عصرکنونی برای نسل های آتی به یادگار گذاشت. اما در جنگ خاورمیانه انگشت نشانه را فقط به سوی او یا همگان او گرفتن، یا حتی فقط اسرانیل را نشانه رفتن خطاست.

این تونی بلر نیست که شغل خود و وظیفه خود را به سخره گرفته است.

آن نظامی که این تونی بلر، فرستاده ویژه او برای صلح و وساطت است، آن نظامی که اوضاع را طوری برنامه ریزی میکند که وقتی بخش عظیمی از مردمان میلاد مسیح را جشن میگیرند، مردم دیگر به صورت گله ای زیر بمب ها لت و پار شده و خیابان ها از خون کودکان رنگین شود، به قول مردم عامی در کوچه و خیابان های ایران به خودش میگوید: سپلشک!

و اگر این نظام با نصب یک نماینده لال برای گفتگو، و با تاسیس دفاتر چند میلیون پوندی و دلاری در لندن و اورشلیم به منظور بسته ماندن در روزهای بحران، خود را به سخره می کشد، دلیل روشنی وجود دارد: فراموش نکنیم نطفه این مرحله از جنگ و حملات کنونی اسرانیل وقتی بسته شد که کوارتت در نیویورک تشکیل جلسه داد حکم مجازات دسته جمعی مردم غزه به خاطر برای غلطی در انتخابات را صادر کرد. در واقع هم تونی بلر و هم اسرانیل ابزار یک نظم ستمگر هستند.

در چنین نظامی باید هم رژیمی مثل جمهوری اسلامی که حق ملت ایران را به رسمیت نمی شناسد و برای مردم وقیحانه ولی و چوپان تعیین می کند، و کودکان را بر سر دار برده، بر سرزنان به زور چادر میکشد و دست و پا اره میکند... برای خود جای ویژه بطلبد. اگر راه و رسم یک نظام برای حفظ و دوام خود، دروغ گویی آشکار و قلب واقعیت در مورد علت بحران ها، مخفی نگه داشتن یک جنایت بزرگ یعنی محاصره غذایی و دارویی جمعیتی یک و نیم میلیونی، داشتن زندان های ده هزار نفری و مجاز شمردن شکنجه زندانیان، انداختن کودکان به زندان، اشغال سرزمین های مردم، انکار حق مردم، کشتار های فجیعانه و دسته جمعی کودک و زن و مرد در اتاق های خوابشان - و نه کم اهمیت تر از همه اینها - پرورش نوعی سیاستمدار و روشنفکر است که اینهمه جنایات را برای غیرخودی ها، مجاز میدانند یا برای اینکه با غیرخودی ها، همصدا نشوند در برابر این جنایات سکوت کرده یا سر می دزدند، پس جمهوری اسلامی ایران، طالبان، القاعده و هر ستمگر دیگری که از این راه و رسم پیروی کرده و بخشی یا همه این ستم ها را اعمال میکند، کاملاً حق، دارد جای خود را در این نظام بداند و این حق را از اربابان نظام طلب کند. در دنیای مافیایی ستمگران، حق، از طریق اثبات توانایی اعمال زور و ستمگری تعیین میشود. و اگر هر لحظه این جنگ موضع رژیم اسلامی را در منطقه تقویت میکند و آن را چنانکه اکنون همه شادند به دست افشانی واداشته بطوریکه رهبران نظام هم یکی پس از دیگری، بشخصاً داوطلب کمک به غزه میشوند، برای این است که برخلاف تصور افراد ناآگاه یا خود را به نادانی زده، در دنیای مافیایی ستمگران، رقابت همیشه در اوج است و اجزاء گوناگون آن بویژه در دردهای پائین تر از طریق کوبیدن سریکدیگر است که مرتبه خود را در نظام بالا می برند. رقابت دو رژیم سبع جمهوری اسلامی و اسرانیل در منطقه یکی از آخرین نموده های این حقیقت است.

آنها از یک جنس اند در صورت های مختلف. نباید از یادبرد اسلام گرایان و قدرت های مسلط بر نظام حاکم بر جهان در طول تاریخی بیش از یک سده چه وقتی انگلیس قدرت امپریال بود و چه وقتی آمریکا این جایگاه را در دست گرفت، عمدتاً با هم علیه نیروهای دمکرات، آزادیخواه و سوسیالیست همکاری کرده اند و احتمال زیاد دارد به علت همین ماهیت مشترک و تضاد عمیق منافع هردو با دمکراسی، بار دیگر در کنار هم قرار بگیرند. آنوقت همه مدافعان حقوق بشر اسلامی و همه مدافعان حقوق بشر آمریکایی هم زیر پرچم یک رهبر، قرار گرفته و علیه مردم و حقوق بشر و دموکراسی توطئه خواهند کرد.

قربانیان اصلی آنها چه وقتی با هم می سازند چه وقتی با هم می جنگند، مردم هستند. و تازمانی که مردم خود را از چنگال هردو رها نکنند، اشک مادران زمین را شسته و آه آنها آسمان را تیره و تار خواهد کرد، و بوش و بلر و اهود بازاک و خامنه ای و صدها ستمگر مرئی و نامرئی دیگر بر زمینیه که در خون بیگناهان غسل داده شده، کاخ های ستم خود را بالا خواهند برد.

*روز سه شنبه 30 نوامبر روزنامه های انگلیس نوشتند تونی بلر هفته آینده برای وساطت به خاورمیانه، یعنی اورشلیم سفر خواهد کرد، هفته

آینده؟! شاید به راستی این پست فرستاده ویژه کوارتت در خاورمیانه، را برای تمسخر خود ایجاد کرده اند؟

ایندیدند در گزارش خود نوشته است **Ed Davey** سخنگوی مسایل سیاست خارجی حزب لیبرال دموکراتر پارلمان گفت: در این لحظه حساس برای خاورمیانه، غیبت تونی بلر بطور زنده ای چشمگیر است. او به عنوان فرستاده صلح خاورمیانه توانایی آن را دارد که برای آتش بس فوری بر هردوطرف فشار بیاورد. تلاش تونی بلر برای گسترش امنیت و بهبود وضعیت اقتصادی غزه تاکنون هیچ دستاوردی نداشته است. وقت آن رسیده است که او حقوقش را در ازای انجام خدمتی دریافت کند.

به نظر میرسد قدرت های بین المللی تاکتیک های کشتار عمومی در لبنان در تابستان 2006 را که آبروی سازمان ملل و جامعه جهانی، را برد در اینجا مو به مو تکرار میکنند: اتحادیه عرب اجلاس خود را به چهارشنبه موکول کرد و فرستاده ویژه ماموریت خود را به هفته آینده و همه به این امید که حمله اسرانیل به هدف های خود نایل شود. هیچ تردیدی نیست و هم اکنون نشانه های آن پیداست که این تاکتیک هم سرانجام موضع بنیادگرایان را نه فقط در فلسطین بلکه در بیشتر کشورهای عرب خاورمیانه به این یا آن طریق تقویت خواهد کرد.

10 دی 1387

برخی منابع:

قتل پنج خواهر توسط حمله موشکی با عکس اجساد آنها

<http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/five-sisters-killed-in-gaza-while-they-slept-1216224.html>

بلر در فروشگاه آرماتی

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-1101093/Blairs-voque-Armani.html>

بلر و دفتر کلر مجل لندن

<http://www.telegraph.co.uk/finance/markets/2818141/Blair-to-move-to-Grosvenor-Sq-as-peace-envoy.html>

بلر و خانه های شخصی اش

<http://www.telegraph.co.uk/news/1927686/Tony-Blair-to-buy-John-Gielgud's-former>

قتل پنج خواهر توسط حمله موشکی با عکس اجساد آنها!



* پیوندها *

سر دبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargaran.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت راه کارگر

www.rahekargaran.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidad.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند ، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند